

سناریوهای آینده‌ی خانواده در ایران*

سهراب هاشمی نژاد** محمد رحیم عیوضی***

ابراهیم حاجیانی**** ایرج گلجانی امیر خیز*****

چکیده

خانواده یکی از نهادهای اجتماعی است که به لحاظ سبک زندگی و پیامدهای ناشی از آن، در طول تاریخ و در جوامع مختلف، دستخوش تحولات زیادی شده است. از این رو، برای هرگونه اظهار نظر و سیاست‌گذاری در تقویت و تحکیم این نهاد، نیازمند توجه به پیش‌ران‌ها، روندها و رویدادها در جوامع مختلف از جمله جامعه‌ی هدف و جوامع تأثیرگذار است. تا بتوان آینده‌های بدیل خانواده را در آن جامعه شناسایی و تفسیر علمی کرد. در این مقاله، با تکیه بر دانش آینده‌پژوهی و روش‌های کارآمد در این حوزه، سناریوهای آینده‌ی خانواده در ایران از حیث ساختار و سبک زندگی در یک افق ۲۰ ساله ارائه شده است. مقاله‌ی پیش‌رو حاصل یک تحقیق آینده‌پژوهانه است که در آن شناسایی مؤلفه‌های کلیدی و پیش‌ران‌های اصلی با استفاده از مصاحبه‌های عمیق و پرسشنامه و به کمک نرم‌افزار میک‌مک تعیین شده و سناریوسازی با استفاده از رویکرد چرماک و الگوی لایه‌ای توسعه‌ی راهبرد مبتنی بر سناریوسازی انجام شده است. ملک سلیمان، طلا و مس، آن دختر (Her) و گرگ وال استریت عناوین سناریوهای ترسیم شده در این پژوهش هستند که مختصات خانواده در هریک بحث و بررسی شده است.

واژگان کلیدی

آینده‌پژوهی خانواده، سبک زندگی خانواده در ایران، سناریوهای آینده‌ی خانواده.

* مقاله‌ی حاضر برگرفته از رساله‌ی دکتری با موضوع آینده‌پژوهی خانواده اسلامی - ایرانی از حیث ساختار و سبک زندگی در افق ۱۴۱۴ می‌باشد.

** دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) (sohrab.iut@gmail.com)

*** استاد دانشگاه شاهد (نویسنده‌ی مسئول) (ra.eivazi@yahoo.com)

**** دانشیار دانشگاه شاهد (ebhajiani@gmail.com)

***** استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) (goljani@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۲۶

۱. مقدمه و بیان مسئله

در بیشتر جوامع خانواده نهاد اصلی جامعه‌پذیری کودکان است و در شکل‌گیری انسان آینده و اجتماع آینده نقش اساسی دارد؛ لذا نحوه‌ی شکل‌گیری خانواده، سبک زندگی، نحوه و میزان فرزندآوری و نقش و کارکرد اعضای آن تعیین‌کننده‌ی تحولات آینده‌ی جامعه هستند. ماهیت خانواده، نحوه‌ی شکل‌گیری آن، ساختار، کارکرد و سبک زندگی در آن در طول تاریخ و در جوامع مختلف دستخوش تحولات زیادی شده است. اطلاع از مؤلفه‌ها و پیشران‌های تأثیرگذار در تغییرات خانواده‌های یک جامعه و تصویرسازی آینده‌های محتمل با توجه به تغییرات پیشران‌های اصلی می‌تواند زمینه‌ساز راهبردپردازی و اتخاذ سیاست‌های مناسب برای هدایت خانواده‌ها و متعاقب آن جامعه به وضع مطلوب باشد.

صاحب‌نظران همیشه به دگرگونی‌های نهاد خانواده -به‌عنوان کوچکترین واحد بنیادی جامعه- توجه داشته‌اند، زیرا تغییرات نهاد خانواده در دیگر نهادهای اجتماعی تأثیر می‌گذارد (احمدی، ۱۳۹۱: ۸۲). نهاد خانواده در ایران، در معرض توأمان سنت‌گرایی و مدرنیسم قرار گرفته و دو فرایند آن را تحت فشار و تأثیر قرار داده‌اند. مدرنیسم از طریق تغییرات و تحولات اجتماعی و فرهنگی هدایت شده و جهانی‌شدن (آرادی و غیرآرادی) به سرعت و جدیت در ساختار و مسائل خانواده‌ی ایرانی تأثیر گذاشته است و از سوی دیگر، فرهنگ و سنت‌های بومی و دینی (مثل هنجارها، سنت‌ها، میراث فرهنگی، مذهب، نظام اخلاقی و ...) به‌شدت در ارکان خانواده تأثیر گذارند (حاجیانی، ۱۳۸۹: ۲۴۷).

با توجه به مرتبط‌بودن مقوله‌ی خانواده به مؤلفه‌های متعدد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تعدد نظرات در این حوزه به وفور یافت می‌شود. در میان این نظرات چندگانگی‌هایی نیز در اظهارات برخی از صاحب‌نظران دیده می‌شود؛ برخی، از روندهای رو به رشد انحطاط خانواده در جوامع غربی سخن گفته و به دنبال آن با اشاره به وجود نمونه‌هایی مشابه با روندها و رویدادهای جوامع مذکور در ایران، کل آن روند را به جامعه‌ی ایرانی تعمیم می‌دهند. عده‌ای نیز به تغییر و تحولات در ساختار خانواده، نقش‌ها، ارزش‌ها، کارکردها و مناسبات درون خانواده در فرایند مدرنیته و پست مدرنیته اشاره کرده و قائل‌اند که نوع جدیدی از نهاد خانواده در حال شکل‌گیری است که با گونه‌ی سنتی آن کاملاً متفاوت است. بر مبنای نوع نگرش افراد، تجویزهای مختلفی از طبیعی دانستن و منطقی جلوه‌دادن این تحولات تا اصرار بر بازگشت به سنت‌ها و نفی مدرنیته صادر می‌شود. منطقی است، برای هرگونه اظهارنظر و سیاست‌گذاری در این مقوله، شناسایی روندها، رویدادها و پیشران‌ها در جوامع تأثیرگذار (آمریکا و اروپا) و همچنین در جامعه‌ی ایران با

احتساب تفاوت نگرش‌ها و آداب و رسوم مختص به خود در دستور کار قرار گیرد تا بتوان آینده‌های بدیل خانواده در ایران را شناسایی و تفسیر علمی کرده و برای نیل به مطلوب‌ترین سناریوها راهبردهایی را استخراج کرد. هدف اصلی این تحقیق، شناسایی سناریوهای آینده‌ی سبک زندگی خانواده برای مواجهه‌ی بهتر و اتخاذ تصمیمات شایسته برای سیاست‌گذاری در این مقوله است. سؤال اصلی تحقیق نیز عبارت است از:

آینده‌های بدیل سبک زندگی خانواده در ایران در افق ۱۴۱۴ کدامند و چه راهبردهایی برای مواجهه‌ی با آنها پیشنهاد می‌شود؟

برای پاسخ‌دادن به این سؤال، سؤالات دیگری نیز مطرح می‌شوند، از جمله اینکه روندهای موجود در مقوله‌ی خانواده در طول چند دهه‌ی گذشته چگونه بوده و خانواده‌های ایرانی تا چه حد از سبک زندگی جوامع غربی الگو گرفته‌اند؟ پیشران‌ها و روندهای تأثیرگذار در آینده‌ی خانواده‌ی ایرانی کدامند؟ در یک افق نزدیک به ۲۰ سال چه سناریوهایی را برای آینده‌ی این خانواده‌ها می‌توان ترسیم کرد؟ راهبردهای پیشنهادی برای تحکیم بنیان خانواده با توجه به سناریوهای ترسیم‌شده کدامند؟

۲. قلمرو تحقیق

موضوع تحقیق سبک زندگی خانواده است که از منظر جامعه‌شناختی با استفاده از روش‌های استفاده‌شده در تحقیقات آینده‌پژوهی به آن پرداخته شده است. تمرکز تحقیق حاضر بر روند تحولات در ابعاد ساختاری و سبک زندگی خانواده بوده و سناریوهای آینده‌ی خانواده در ایران را مدنظر قرار داده است. هرچند در ایران قومیت‌های متعددی با آداب و رسوم مختص به خود وجود دارند، اما پیدایش فناوری‌های نوین و روندهای ارتباطی و اطلاعاتی بدون مرز، موجب شده تا شاهد همگرایی در برخی از نگرش‌ها و رفتار در سبک زندگی خانواده‌های ایرانی باشیم. این همگرایی در میان ساکنین کلان‌شهرها بیشتر دیده می‌شود. در تحقیق جاری در بررسی‌های میدانی و مرحله‌ی که به پیمایش از طریق مصاحبه یا پرسش‌نامه نیاز دارد، جامعه‌ی آماری از میان کلان‌شهرهای تهران، اصفهان و قم انتخاب شده‌اند. داده‌ها و نتایج حاصل از این تحقیق مربوط به سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ است و افق آینده، سال ۱۴۱۴ در نظر گرفته شده است.

جدول ۱. نقشه راه تحقیق در یک نگاه

سؤال اصلی تحقیق: آینده‌های بدیل و راهبردهای تحقق آینده‌ی مطلوب خانواده‌ی ایرانی، از حیث ساختار و سبک زندگی، در افق ۱۴۱۴ کدام‌اند؟			
هدف اصلی تحقیق: شناسایی آینده‌های بدیل خانواده در ایران و راهبردپردازی برای شکل‌گیری ساختار و سبک زندگی مطلوب در این خانواده‌ها			
سؤال‌های تحقیق	اهداف تحقیق	روش تحقیق	ابزار استفاده شده
پیشران‌ها و روندهای سبک زندگی خانواده‌های ایرانی کدام‌اند؟	شناسایی مؤلفه‌های کلیدی، پیشران‌ها و روندهای تأثیرگذار در آینده‌ی خانواده در ایران	مرور تحقیقات پیشین و مصاحبه‌های عمیق	- منابع کتابخانه‌ای - پرسشنامه - نرم‌افزار میک‌مک (تحلیل اثرات متقابل)
سناریوهای آینده‌ی خانواده در ایران از حیث ساختار و سبک زندگی کدام‌اند؟	شناسایی سناریوهای آینده‌ی خانواده در ایران	سناریوسازی	استفاده از رویکرد چرم‌ماک و رویکرد دو لایه‌ای مبتنی بر سناریو

۵۰

۳. ادبیات و پیشینه پژوهش

در این قسمت ابتدا مروری اجمالی بر تعریف چند واژه‌ی مرتبط با مباحث موجود در آینده‌پژوهی و روش مورد نظر در این تحقیق خواهیم داشت. سپس مباحث مربوط با خانواده، مهمترین مؤلفه‌های آن و تغییر و تحولات رخ داده در این حوزه مورد بحث قرار گرفته و نهایتاً به تحقیقات شاخصی که با رویکرد آینده‌پژوهانه در مقوله‌ی خانواده در داخل و خارج کشور انجام گردیده اشاره شده است.

۳-۱. آینده‌پژوهی، سناریوسازی و رویکردها

آینده یک مفهوم انتزاعی است که بشر به‌وسیله‌ی آن یک نظم سمبولیک به زمان حال و مفهومی به تلاش‌های گذشته‌ی خود می‌بخشد. راهبرد بشر بیشتر به نظم‌دهی فعالیت‌های زمان حال در بافتار تجارب گذشته و اهداف آینده متمرکز است (لومباردو، ۲۰۰۶: ۴۷). به‌زعم نظر دیتور، آینده از درهم‌کنش چهار مؤلفه شامل رویدادها، روندها، تصویرها و اقدامات پدید می‌آید (کرامت‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۶، به نقل از دیتور، ۱۹۹۶). آینده‌پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات، آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آنها را تجسم می‌کند (کرامت‌زاده، ۱۳۸۹: ۹).

سناریو داستانی توصیفی از بدیل‌های موجه است که به بخش خاصی از آینده نظر دارد و سناریونویسی روشی برای بهبود تصمیم‌سازی در برابر آینده‌های ممکن و محتمل است (Wack, 1985: 25). شناسایی آینده‌های بدیل و فراهم کردن راه‌حل‌های متعدد برای موقعیت‌های مختلف هم‌بینش برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان را ارتقا می‌دهد و هم آنها را از موضع انفعالی خارج می‌کند. برنامه‌ریزی سناریویی رویکردی مشارکتی همراه با تفکر و گفت‌وگوی متنوع است که چنین امکانی را به وجود می‌آورد. این تفکر که به جای مواجهه با یک آینده، آینده‌های بدیلی امکان تحقق دارند، از پایه‌های سناریونویسی است.

رویکردهای متنوعی در مورد برنامه‌ریزی سناریویی وجود دارد که هرکدام از آنها مکاتب مختلف تفکر برنامه‌ریزی راهبردی را توسعه بخشیده‌اند. روش‌های طراحی و ساخت سناریو نیز بسیار متعددند. تحلیل اثر روند^۱، تحلیل اثر متقابل^۲، تحلیل لایه‌ای علت‌ها^۳، فرایند هشت مرحله‌ای فون ریبینتز^۴، روش عدم قطعیت‌های بحرانی^۵، روش لاپراسپکتیو^۶، روش برنامه‌ریزی سناریویی لیسور^۷ و روش چرماک از پرستفاده‌ترین روش‌های برنامه‌ریزی سناریویی هستند که به خاطر استفاده از رویکرد برنامه‌ریزی سناریویی چرماک در تحقیق جاری، در ادامه شرح مختصری از این رویکرد آورده شده است. به اعتقاد چرماک، سناریونویسی عملکردی، دانش ساخت مجموعه‌ای از آینده‌های متصور و سازگار درونی است که در آن می‌توان تصمیمات درباره‌ی آینده را با هدف تغییر تفکر، بهبود تصمیم‌گیری، تقویت یادگیری فردی و سازمانی و بهبود عملکرد اتخاذ کرد. سیستم سناریونویسی عملکردی چرماک شامل ۵ مرحله است:

الف. آماده‌سازی پروژه: این مرحله شامل عقد قرارداد با مشتری، شناسایی اهداف، برنامه‌ریزی و زمان‌بندی پروژه، تشکیل تیم سناریو، تبیین نتایج کلی مورد انتظار و درنهایت تدوین طرح پیشنهادی پروژه است.

ب. بررسی و کاوش سناریو: در این مرحله، هدف و موضوع مشخص شده در مرحله‌ی نخست، دقیق و مفصل بررسی می‌شود. مصاحبه‌های عمیق، تحلیل محیط درونی و بیرونی و تحلیل ایده‌ها در این مرحله انجام می‌شود.

1. Trend-impact Analysis
2. Cross-impact Analysis
3. Causal Layer Analysis
4. Von Reibnitz
5. Critical Uncertainty
6. La Prospective
7. LIPSOR: Lien Innovation, Prospective, Stratégie et Organisation

ج. تدوین سناریو: این مرحله به خلق چند سناریو، نوشتن جزئیات و انتخاب چهار سناریوی چالشی و متفاوت می‌پردازد. تعریف طرح‌ها و عناوین، نوشتن سناریو و خلق منطق‌های سناریو در این مرحله انجام می‌شود.

د. پیاده‌سازی سناریو: این مرحله گفت‌وگوهایی ایجاد می‌کند تا در فرایند آنها پیامدهای سناریو بررسی شوند. مدیریت ریسک و برنامه‌ریزی احتمال از جمله عملیات‌هایی هستند که در این مرحله انجام می‌شوند.

ه. ارزیابی پروژه: در این مرحله ابتدا بازبینی اهداف و سپس رضایت، وضعیت مالی، دانش، تخصص و موارد مشابه اندازه‌گیری می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۶: ۹۲ به نقل از چرماک، ۲۰۱۱).

۲-۳. تغییر و تحولات در مؤلفه‌های اصلی خانواده

خانواده اساسی‌ترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که کارکردهای بی‌بدیلی را در جامعه به‌عهده دارد. خانواده و مؤلفه‌های شکل‌دهنده آن در طول تاریخ با فراز و نشیب‌های زیادی همراه بوده است. گاه بازیگر اصلی تمامی مناسبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بوده و محور تمام سیاست‌گذاری‌های کلان قرار گرفته و گاهی آنقدر به حاشیه کشانده شده که برخی از به اصطلاح متجددین و روشنفکران برای تمامی کارکردهایش مدل جایگزین ارائه کرده و فروپاشی یا نبود آن را در آینده نه تنها امکان‌پذیر بلکه محتمل می‌دانسته‌اند. ساختار خانواده (اجزا، نقش و روابط میان آنها)، نیازهای خانواده (ورودی‌ها)، کارکردهای درونی و بیرونی خانواده (خروجی‌ها و محصولات)، سبک زندگی خانواده (عملکردها و فرایندهای داخلی) و ارزش‌های خانوادگی (مقاصد و اهداف) مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مؤلفه‌های یک خانواده هستند. تحولات در خانواده را می‌توان از طریق شناسایی تغییر و تحول در هریک از این مؤلفه‌ها دنبال کرد. همچنین اگر آینده‌های مربوط به هریک از این مؤلفه‌ها شناسایی و بررسی شود، شناسایی و بررسی آینده‌های بدیل خانواده نیز امکان‌پذیر می‌شود. در ادامه، ابتدا به رویکردهای موجود نسبت به تحولات در ساختار، کارکرد و سبک زندگی خانواده اشاره می‌شود و سپس محدود تحقیقاتی که با نگاه آینده‌پژوهی به مقوله‌ی خانواده پرداخته‌اند، مطرح شده است.

۱-۲-۳. تغییر و تحولات نهاد خانواده

برای شناسایی تغییرات در خانواده می‌توان تغییرات را در ابعاد ساختاری، کارکردی، نگرشی (ارزشی) و سبک زندگی شناسایی کرد. از دیدگاه کلمن^۱، بعد ساختاری، به شدت و قوام ارتباطات

1. Colman (1988)

بین اعضا و توانش آنها در بهره‌مندی و بازبهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی اشاره دارد. در میان تبیین‌های ساختاری، نظریه‌های مبتنی بر تأثیر مدرنیزاسیون در تحولات خانواده اهمیت و گسترش بیشتری دارد. براساس این دیدگاه، تحولات اجتماعی ناشی از صنعتی‌شدن، گسترش شهرنشینی، گسترش تحصیلات و تحولات جمعیتی، ساختار روابط خانوادگی را به میزان زیادی دگرگون ساخته است (کاظمی‌پور، ۱۳۹۳). بیورن برگ^۱ درباره‌ی تغییرات واقع‌شده در خانواده‌ی غربی به الگوی نوظهوری اشاره می‌کند که شامل کاهش نرخ موالید، تأخیر در ازدواج، بالارفتن سن والدین به هنگام تولد اولین فرزند، وجود فرزندان کمتر در هر واحد خانوادگی، رشد میزان طلاق، خانواده‌ی تک‌والدی و هم‌بالینی، افزایش تعداد موالید خارج از چارچوب ازدواج و میزان کار دستمزدی زنان است (برناردز، ۱۳۸۴: ۴۰).

ویلیام اف. آگبرن^۲ و کلارک تیبیتس^۳ در سال ۱۹۳۴ بر شش کارکرد اساسی خانواده تأکید می‌کنند که عبارت‌اند از: تولیدمثل، حمایت و مراقبت، جامعه‌پذیری، تنظیم رفتار جنسی، عطف و همراهی و تأمین پایگاه اجتماعی (بستان، ۱۳۸۳: ۶۳، به نقل از Schaefer, 1989: 324). حسین بستان علاوه بر کارکردهایی که آگبرن برای خانواده اشاره کرده مواردی از جمله آموزش، تربیت دینی، تأمین پدر مشروع، کنترل اجتماعی، تأمین نیازهای اقتصادی، انتقال کالاهای مادی، گذراندن اوقات فراغت، رشد و تثبیت شخصیت و ایجاد تغییرات اجتماعی را از جمله کارکردهای خانواده برشمرده است (بستان، ۱۳۸۳: ۶۳ و ۶۴). واگذارشدن برخی از کارکردهای خانواده به نهادهای اجتماعی و تضعیف برخی دیگر از آنها موجب تغییرات ساختاری عمیق در خانواده‌ها شده است. عباسی شوازی و مک‌دونالد در پژوهشی با عنوان «تغییرات خانواده در ایران: مذهب، انقلاب و دولت» عمده‌ی تغییر و تحولات را در سطوح فردی و داخلی خانواده‌ها (مانند تقسیم نقش‌ها، کارکردهای درونی، تصمیم بر تعداد فرزندان و ...) بیان کرده‌اند (abbasi shavazi & Mc Donald, 2007).

بدیهی است نمی‌توان تغییرات ساختاری و کارکردی خانواده را جدای از تغییرات بینشی و ارزشی افراد جامعه دید. ارزش‌ها نقشی اساسی در تبیین، کنترل، هدایت و پیش‌بینی کنش افراد و شیوه‌ی جهت‌گیری، کنش و تعامل آنها نسبت به سایر افراد ایفا می‌کنند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹: ۲۷۹). در دهه‌های اخیر با تغییر در ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ی ایران در نتیجه‌ی بهبود شاخص‌هایی همچون صنعتی‌شدن، افزایش میزان شهرنشینی، افزایش میزان تحرک اجتماعی و

1. Bjorn Berg (1992)

2. William F. Ogburn

3. Clark Tibbitts

مهاجرت، جوانی جمعیت، توسعه‌ی شبکه‌ی حمل‌ونقل عمومی، توسعه‌ی وسایل ارتباط جمعی و استفاده از تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و توسعه‌ی نهادهای اجتماعی جدید مانند آموزش و پرورش و دانشگاه، زمینه‌ی مساعدی برای بروز تغییراتی در ارزش‌ها و نگرش‌های اعضای خانواده ایرانی به وجود آورده است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹: ۲۸۲).

سبک زندگی نوعی انتخاب است از میان تعداد بی‌شمار امکان‌های موجود که در عمل از نسل گذشته دریافت نمی‌شود، بلکه پذیرفته می‌شود (خالدی، ۱۳۹۲: ۹۲). برای شناسایی تغییرات سبک زندگی باید ابتدا مؤلفه‌های سبک زندگی را شناسایی کرد و سپس با شناسایی تغییراتی که در مؤلفه‌ها رخ داده به تغییرات سبک زندگی پی برد. در تحقیقات مختلف مواردی همچون الگوی مصرف، رفتار افراد در خانواده، تقسیم کار در منزل، محل سکونت، نوع خانه، وسایل منزل، سیاست بدن (الگوی تغذیه، آرایش، ورزش، بهداشت و سلامت)، مواد خواندنی، آلات موسیقی، سلیقه در غذا و مشروبات، نوع گذران اوقات فراغت، الگوی ازدواج، همسرگزینی، روابط زناشویی، روابط با فرزندان، ضوابط و روش‌های تربیت کودک و ... از جمله مؤلفه‌های سبک زندگی خانواده برشمرده شده‌اند (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۶، به نقل از مک‌کی، ۱۹۶۹: ۲۷۴ - ۲۷۵). توسعه‌ی فناوری و تغییر نگرش افراد نقش کلیدی در تغییر و تحولات مؤلفه‌های سبک زندگی خانواده‌ها ایفا کرده است.

۳-۲-۲. تحقیقات آینده پژوهانه در مقوله‌ی خانواده

امروزه، دانش آینده‌پژوهی، به‌عنوان یک دانش نوپدید، اهدافی را تعقیب می‌کند که نوعی سامان‌دهی اجتماعی و چشم‌اندازپردازی برای وضعیت مطلوب در آن مشاهده می‌شود، به‌گونه‌ای که جامعه‌شناسان آن را «بازار هدایت اجتماعی» و «دانش شکل‌بخشیدن به آینده» دانسته‌اند (فاضل قانع، ۱۳۸۸: ۴۷). الکساندر مونت‌گومری در مقاله‌ی «خانواده‌های ۲۰۲۵ آمریکایی: روندها و سناریوهای آینده» وضعیت فرهنگی و اوضاع اقتصادی آینده را به‌عنوان دو عدم قطعیت کلیدی معرفی کرده و با توجه به اینکه در آینده، فرهنگ لیبرال در جامعه رواج یابد یا جامعه به سمت محافظه‌کاری پیش برود و از طرفی دیگر، جامعه با توسعه‌ی اقتصادی روبه‌رو شود یا رکود، چهار سناریو را مطابق با شکل شماره‌ی ۱ ترسیم کرده است.

رشد و توسعه‌ی اقتصادی	
زن خانه‌دار فرودست	بازار ازدواج
غلبه‌ی رویکرد محافظه‌کارانه	فرهنگ لیبرال
والتون‌های قرن ۲۱	ادامه‌ی روند جاری

شکل ۱. سناریوهای آینده‌ی خانواده‌های ۲۰۲۵ آمریکایی

برنهارد ریدرر^۱ و همکارانش (۲۰۱۷) در مؤسسه‌ی مطالعاتی وینا^۲ - تحت حمایت مؤسسه‌ی نظیر فدراسیون بین‌المللی رشد خانواده^۳ و انجمن خانواده‌ی بزرگ اروپایی^۴ - با یک رویکرد آینده‌نگارانه، آینده‌ی خانواده‌های اروپایی را به‌لحاظ تغییرات مختلف اجتماعی بررسی کرده‌اند. این تحقیق در قالب دو پروژه انجام داده است. سازمان توسعه‌ی همکاری‌های اقتصادی (OECD) در سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ توسط پروژه‌ی نخست را انجام داده که در آن چهار سناریوی آینده‌ی خانواده‌های اروپایی با توجه به دو عدم قطعیت کلیدی ثبات یا عدم ثبات در رشد اقتصادی و افزایش یا کاهش نوآوری در فناوری ارائه شده است.

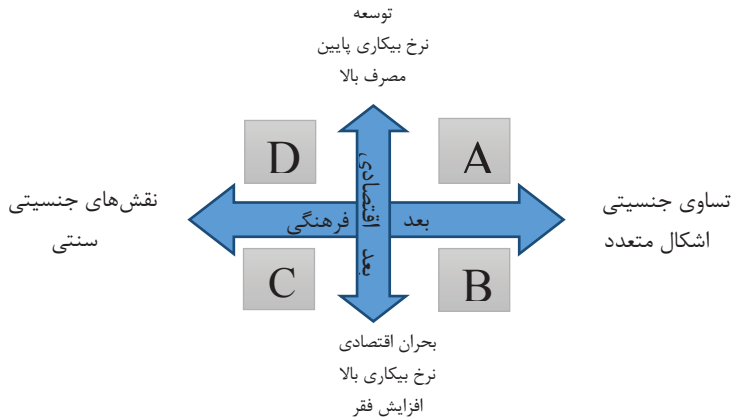
۵۵

رشد اقتصادی پایدار	
رشد پایدار	عصر طلایی
عدم پیشرفت در فناوری	رشد نوآوری‌های فناورانه
بازگشت به سنت	جامعه‌ی بدیع تکه تکه
عدم ثبات (رکود) در رشد اقتصادی	

شکل ۲. سناریوهای آینده‌ی خانواده‌های اروپایی، (OECD, 2012)

1. Bernhard Riederer
2. Vienna Institute of Demography
3. the International Federation for Family Development (IFFD)
4. the European Large Families Association (ELFAC)

در قسمت پیشینه‌ی تحقیق به پروژه‌ی دیگری با عنوان «نقشه‌ی خانواده»^۱ که کاپلا^۲ و همکارانش در سال ۲۰۱۱ انجام داده‌اند، اشاره شده است. در این پروژه -که به روش دلفی انجام شد- پیشران‌های اصلی شکل‌دهنده‌ی آینده‌ی خانواده‌های اروپایی در دو بعد فرهنگی و اقتصادی شناسایی شد و متعاقب آن چهار موقعیت A، B، C و D با توصیفات ایده‌آل‌ترین وضعیت، برابری جنسیتی، بدبینانه‌ترین حالت و خانواده‌ی سنتی بحث و بررسی شدند.



شکل ۳. سناریوهای آینده‌ی خانواده‌ی اروپایی^۳ (۲۰۱۱)

رحیم کارگر در پژوهشی با موضوع «سیاست‌های فرهنگی تحکیم خانواده در ایران با رویکرد آینده‌پژوهی» ترکیبی از روش‌های آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری را استفاده کرده است. در این تحقیق، چشم‌اندازی از خانواده‌ی مطلوب، ۶۰ مسئله‌ی اساسی آینده‌ی خانواده و چند سیاست فرهنگی مطرح شده است (کارگر، ۱۳۹۵).

سجاد قاسمی در پژوهشی با موضوع «آینده‌پژوهی مدیریت تحولات فرهنگی ایران در افق ده ساله با تأکید بر نهاد خانواده» با تجزیه و تحلیل محیطی و استفاده از تکنیک سناریوسازی دو عامل کلیدی مصرف‌گرایی و تعدد کانون‌های مرجعیت در خانواده‌ها را به‌عنوان پیشران‌های اصلی شکل‌گیری خانواده‌ی ایرانی در دهه‌های آتی معرفی و چهار سناریو را مطابق با شکل شماره‌ی ۴ مطرح کرده است. ایشان در نهایت با اعلام مطلوبیت سناریوی چهارم، راهبردهایی برای حرکت به سمت تحقق آن پیشنهاد کرده است (قاسمی، ۱۳۹۶).

1. The FamilyPlatform project
2. Kapella
3. The FamilyPlatform project

	شدید	مصرف‌گرایی	ضعیف
افزایش	بازی با مرگ		نسل سوخته
کانون‌های مرجعیت	تشریفات		خانه‌ی سبز
کاهش			

شکل ۴. سناریوهای تحولات فرهنگی ایران با تأکید بر نهاد خانواده

هرچند پژوهش قاسمی به‌لحاظ استفاده از نرم‌افزار میک‌مک و خروجی آن با تحقیق جاری نقاط مشترکی دارد، اما روش آن متفاوت است. تمایز تحقیق جاری با تحقیقات داخلی و خارجی پیشین در دولایه‌ای بودن آن است که طی پیمودن ۶ گام در هریک از لایه‌ها یک آینده‌نگاری جامع انجام شده است. روش تحقیق در بیشتر تحقیقات پیشین اثبات‌گرایانه است. بسیاری از داده‌ها و اطلاعات در لایه‌های درونی ذهن افراد وجود دارند و به‌سادگی با مصاحبه و پرسش‌نامه نمی‌توان آنها را استخراج کرد. برخی از سوگیری‌ها از طرف جامعه یا از سوی محقق نیز به نتایج تحقیق آسیب وارد می‌کند. دو لایه‌ای بودن تحقیق جاری تا حد زیادی به کاربردی و مطابق با واقعیت بودن یافته‌ها و همچنین کاهش سوگیری‌ها در تحقیق کمک می‌کند.

۳-۳. الگوی لایه‌ای توسعه‌ی راهبرد مبتنی بر سناریوسازی

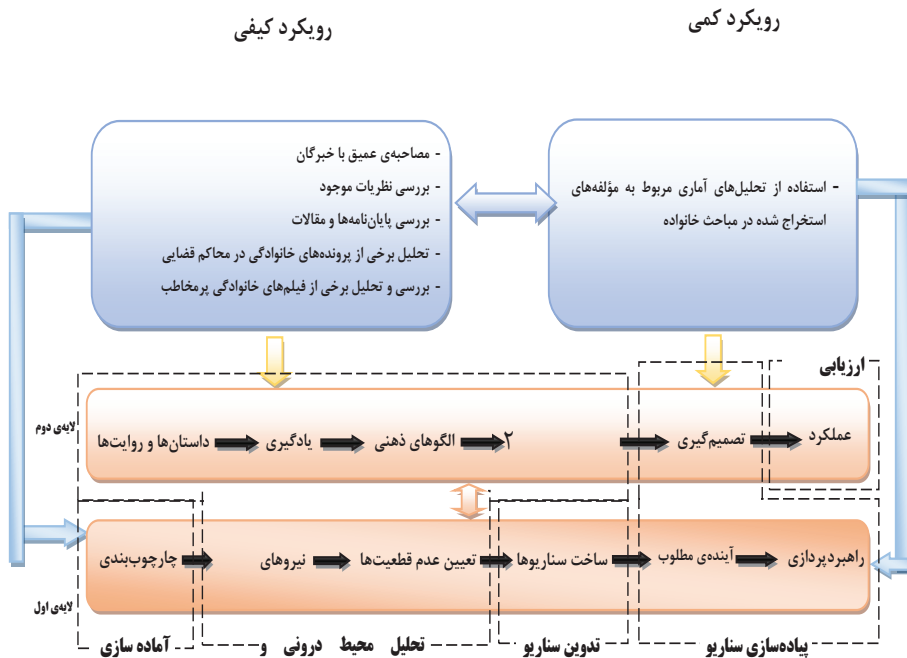
پژوهش‌های متعدد و متکثری درخصوص برنامه‌ریزی راهبردی مبتنی بر سناریو انجام شده که در اینجا با توجه به موضوع تحقیق جاری، به تحقیقی اشاره می‌شود که با استفاده از روش دابین و در فضای روش‌شناسی لین‌هام سعی کرده تا در قالب دو لایه، هم نگاه اثبات‌گرایانه و کمی به موضوع داشته باشد و هم نگاه معناکاوانه و کیفی و با غنی‌سازی لایه‌ی نخست به کمک لایه‌ی دوم، سناریوسازی و راهبردپردازی کند. توسعه‌ی راهبرد مبتنی بر سناریو با رویکرد لایه‌ای از جمله نقاط متمایز و قابل توجه در این رویکرد است.

در تحقیق مذکور، لایه‌ی اول - که لایه‌ی فرایندی (علت کاوانه) برای عملیات سناریوپردازی است - شامل عناصر و واحدهایی است که در سطح فرایندی و کارکردگرایانه، به‌عنوان علت‌های آشکار برای منطقی‌دهی به انتخاب‌های راهبردی سازمان باید در نظر گرفته شود و لایه‌ی دوم، یعنی لایه‌ی ادراکی و معناکاوانه شامل عناصر و واحدهایی است که در سطح ادراکی و معرفتی در

خلال پروژه‌ی سناریوسازی برای ساخت آینده باید در نظر گرفته شود. در ادامه با تشریح مرحله به مرحله اقدامات، این فرایند بیشتر تبیین می‌شود.

۴. روش‌شناسی پژوهش

رویکردهای متداول سناریوسازی عموماً تک‌لایه‌ای و به‌شکل فرایندی هستند. به‌نظر بسیاری از محققین، مدل‌های تک‌لایه و تک‌بعدی برای تبیین کامل و تناسب کافی در مسیر فهم و عمل در شرایط عدم قطعیت کاستی‌هایی دارند. در راهبردپردازی‌ها و سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مسائل و مباحث حوزه‌ی خانواده، با توجه به برجسته و مشاهده‌شدنی‌تر بودن تأثیرات عناصری که در اختیار ما نیستند، بیشتر تصمیمات معطوف به عوامل بیرونی مانند تمدن غرب، فضای مجازی، ماهواره و ... و برای کاهش اثرات مخرب آنها اتخاذ می‌شوند و کمتر به ظرفیت‌های درونی پرداخته می‌شود که این رویکرد می‌تواند به برخورد منفعلانه با موضوع منجر شود. در تحقیق جاری، سناریوسازی با استفاده از رویکرد چرماک و بر اساس الگوی لایه‌ای توسعه‌ی راهبرد مبتنی بر سناریوسازی انجام شده است. فرایند کلی سناریوسازی در تحقیق جاری مطابق با شکل شماره‌ی ۵ است.



شکل ۵. مشخص نمودن مراحل برنامه‌ریزی سناریویی چرماک در الگوی لایه‌ای (نقشه‌ی راه تحقیق)

با توجه به اینکه لایه‌ی دوم -یعنی لایه‌ی معرفتی مطابق با قانون تربیتی دهم رساله‌ی کرامت‌زاده- مقدم بر لایه‌ی اول -یعنی لایه‌ی اجرایی و فرایندی- است، ابتدا واحدهای لایه‌ی دوم و سپس واحدهای لایه‌ی اول بررسی خواهند شد.

۴-۱. بررسی و تبیین واحدهای لایه‌ی دوم

۴-۱-۱. واحد اول: داستان‌ها و روایت‌ها

در گام نخست لایه‌ی دوم سعی بر این بوده تا داستان خانواده، روایت‌های موجود راجع به خانواده‌ی ایرانی و چالش‌های پیش‌روی این خانواده‌ها در دنیای واقعی به تصویر کشیده شود. در تحقیق جاری برای کشف داستان‌ها و روایت‌های خانواده‌ی ایرانی از سه منظر استفاده شده است. بررسی ابعاد مختلف خانواده از طریق مطالعه‌ی پرکاربردترین و جدیدترین نظریات خانواده، بررسی رسانه‌های مکتوب نظیر روزنامه‌ها، مقالات و کتب مرتبط با موضوع خانواده، گزارش نشست‌های هم‌اندیشی با حضور صاحب‌نظران این عرصه همچون آزادارمکی، صادقی‌فسایی، شکرپیگی، اعزازی، زیبایی‌نژاد، کرمی و ...، نتایج مصاحبه با افراد خبره‌ای که با مسائل و چالش‌های خانواده‌ها درگیرند و بررسی روند محتوای فیلم‌های سینمایی و سریال‌های اجتماعی همچون سالاد فصل، سگ‌کشی، قیصر، ممل آمریکایی، در امتداد شب، قرمز، دو زن، شوکران، چهارشنبه‌سوری، شام آخر، دنیا، زهر عسل، آتش‌بس، هوو، توفیق اجباری، پارک وی، همیشه پای یک زن در میان است، به همین سادگی، خروس جنگی، واکنش پنجم، تسویه حساب، خانه به‌دوش، ستایش و ... در چند دهه‌ی گذشته، می‌تواند بیانگر داستان‌ها و روایت‌های خانواده‌های ایرانی باشد که در این تحقیق از نتایج حاصل از تحلیل آنها استفاده شده است.

مطالبی که درباره‌ی تغییرات و تحولات بینشی، ساختاری، کارکردی و رفتاری خانواده تدوین شده‌اند یا در قالب فیلم و سریال تهیه شده‌اند، به چند روند مهم اشاره کرده و تمامی تحولات و تغییرات مقوله‌ی خانواده را متأثر از تعداد محدودی از عوامل ذکر می‌کنند. مهم‌ترین این عوامل که به کرات در تحقیقات و پژوهش‌های انجام‌شده همچون تحولات خانواده‌ی ایرانی و سبک زندگی در جامعه‌ی ایرانی (دهقان‌نژاد، ۱۳۹۲)، بازتولید خانواده‌ی ایرانی (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸)، جهانی‌شدن، تجددگرایی و خانواده در ایران (تنهایی، ۱۳۸۸)، بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده (آزادارمکی، ۱۳۸۹)، بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده‌ی تهرانی (همان، ۱۳۷۹)، تحولات معاصر خانواده در شهر تهران (علی‌احمدی، ۱۳۸۹) و ... به آنها اشاره شده عبارت‌اند از: جهانی‌شدن به‌ویژه در حوزه‌ی ارتباطات، رشد استفاده از رسانه‌های نوین، روند

شتابان علم و فناوری، ظهور جریانات سکولاریستی، لیبرالیستی، فمینیستی و دیگر نحله‌های فکری و تبلیغ و گسترش این افکار و ارزش‌ها به واسطه‌ی انجمن‌ها و جمعیت‌های فعال به وجود آمده، شهرنشینی، تشویق به تنظیم خانواده، افزایش میزان دانش بشری، گسترش دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ و کوچک، مهاجرت‌های دائمی و موقت برای تحصیل یا اشتغال، تغییرات اساسی در مشاغل و ساعات کاری، تجملاتی و تشریفاتی شدن زندگی‌ها و مراسمات، محول شدن برخی از کارکردهای خانواده به نهادهای اجتماعی، خارج شدن منابع معنابخش به زندگی از دست دین و سنت، عرفی شدن و فاصله گرفتن از شریعت و بندگی، به وجود آمدن خرده فرهنگ‌های متنوع، گسترش حضور زنان در عرصه‌های علمی، اجتماعی و حتی سیاسی و رشد اشتغال آنها. لازم به ذکر است این عوامل عمدتاً برای مدرن شدن خانواده‌ها بوده و باید توجه داشت در کشوری مانند ایران، نیروها و عوامل دیگری همچون نقش مذهب و تعالیم دینی، فعالیت مبلغان برای آگاهی بخشی به مردم در جلسات مذهبی به ویژه در مناسبت‌های خاص مانند محرم و صفر، برخی از قوانین موجود در راستای تحکیم خانواده، نگرش منفی اکثریت جامعه نسبت به روابط جنسی خارج از ازدواج و نکوهش آن، برخی از آداب و رسوم و سنت‌های رایج پسندیده در خصوص تشکیل خانواده و موقعیت‌های بعدی زندگی مشترک نیز وجود دارند که در تحکیم بنیان خانواده و حفظ آن نقش آفرینی می‌کنند.

۴-۱-۲. واحد دوم: یادگیری (معنی‌سازی و تفکر طراحی)

در فرایند یادگیری، از یک سو توجه به روندها و رویدادهای گذشته و تجربه گرفتن از آنها برای ساخت آینده مؤثر است و از سوی دیگر توجه به ظرفیت یادگیری از آینده‌ی در حال ظهور می‌تواند نقش مهمی در نوآوری و آمادگی مواجه شدن با آینده داشته باشد. خانواده نیز همچون بسیاری از نهادها و جریانات دیگر خود را با تغییرات منطبق می‌کند. برخی از این تغییرات به تحولاتی مثبت منجر شده و برخی آسیب‌هایی را به دنبال دارد. نگارندگان در این واحد به دنبال این هستند که با توجه به تجربیات درونی و بیرونی و آثار و شواهد موجود، فرایندهای تغییر و تحول در مقوله‌ی خانواده درک شود. برخی از الگوهایی که در جامعه مشهود است و در خانواده‌ها ریشه دوانده در این واحد استخراج می‌شود. برخی از موارد برای نمونه در ادامه آمده است.

آداب و رسوم ظاهری خانواده‌های ایرانی تا حدودی هنوز سنتی است، ولی متن و محتوای زندگی غالب خانواده‌ها مدرن شده است؛ با تغییر نگرش‌ها، امروزه طلاق مانند سابق قبیح نیست؛ هرچه سطح تحصیلات زنان به سمت تحصیلات عالی بالا رود، سن ازدواج، تمایل به اشتغال و سطح توقعات افزایش یافته و دوره‌ی باروری کاهش می‌یابد؛ مصرف به‌عنوان ارزش نمادین مطرح می‌باشد؛ نسل سوم و چهارم بیش از پیش به دنبال رسانه‌ای شدن است؛ دوست دارد در لحظه زندگی کند؛ کمتر آینده‌نگر است و مسئولیت‌پذیری کم شده است؛ بی‌حجابی به‌عنوان نمادی برای روشنفکری، نارضایتی از مناسبات حکومتی و رهایی از تقیدات مذهبی اجباری در حال گسترش است؛ ...

۴-۱-۳. واحد سوم: الگوهای ذهنی

آنچه در عمق ذهن افراد وجود دارد و در نگرش و عملکرد آنها تأثیرگذار است همان الگوهای ذهنی است که ناخودآگاه رفتار و تصمیمات فرد را مدیریت می‌کند. با شناخت الگوهای موجود در اعماق ذهن افراد می‌توان سبک زندگی و نگرش افراد را تا حدودی پیش‌بینی کرد. البته باید به این نکته توجه کرد که این الگوها ثابت نیستند و با توجه به اقتضات زمانی تغییر و تحول پذیرند. در ادامه تعدادی از الگوهای شکل گرفته در اذهان غالب خانواده‌های ایرانی آورده شده است. یکی از الگوهای ذهنی که به‌ویژه در افکار خانواده‌های متمول شکل گرفته این است که با تعداد فرزند کمتر، آینده‌ی آنها تضمین شده‌تر و درخشان‌تر است؛ تعدد زوجات در فرهنگ ایرانی مقبول نیست و ازدواج موقت در هر شرایطی نوعی هوسرانی تلقی می‌شود؛ روابط آزاد میان دختر و پسر نامحرم امروزه به صورت عرف درآمده است. به همین منوال، روابط میان افراد نامحرم فامیل نیز دستخوش تغییراتی شده است؛ زندگی التقاطی دامن بسیاری از خانواده‌ها را گرفته است؛ مهاجرت به کلان‌شهرها برای رشد اجتماعی، اقتصادی و نگرشی است که در ذهن و فکر بیشتر جوانان و حتی میان‌سالان ساکن در شهرستان‌ها و روستاها شکل گرفته است؛ ...

۴-۱-۴. واحد چهارم: تعلیق (تفکر واگرا، غلبه بر سوگیری‌ها)

سناریوسازی هم به تفکر واگرا - که در آن خلاقیت بیشتری است - نیاز دارد و هم به تفکر همگرا که با تحلیل همراه است. تعلیق به نوعی آویختن افکار فرد در مقابل او برای بررسی از زوایای بیشتر است. در این مرحله با تغییر زاویه‌ی نگاه بیش از پیش درمی‌یابیم که آینده‌های متعددی می‌تواند اتفاق بیفتد و خلاقیت را در ترسیم آینده‌های بدیل دوچندان می‌کند. در ادامه به نمونه‌هایی برای ایجاد تفکر واگرا اشاره شده است.

بعید نیست روزی تکنولوژی آنقدر پیشرفت کند که فرایند فرزندآوری از زندگی زناشویی جدا شود؛ شواهد حاکی است که در آینده انتقال کارکردهای خانواده به نهادهای اجتماعی با سرعت و شدت بیشتری روی خواهد داد؛ تکنولوژی آنقدر پیشرفت کرده و خواهد کرد که نیازی به انجام کارهای منزل نیست. پس می‌توان تصور کرد که در آینده بعید نیست خانه به هتلی تبدیل شود که اعضای ساکن در آن ساعاتی از شبانه‌روز را برای رفع نیازها و برطرف کردن خستگی‌شان می‌گذرانند. با این اوصاف، هرچه کارکردهای بیشتری از خانواده سلب شود، رشد زندگی تجردی و پرهیز از عدم تشکیل خانواده بیشتر انتظار می‌رود؛ می‌توان در آینده زنی را تصور کرد که موهایش را شبیه مردان کوتاه می‌کند، سینه‌های خود را برداشته و رحم خود را خارج کرده است، با ورزش و خوردن داروهای خاصی قدرت جسمانی خود را همچون مردان افزایش داده و این حق را برای خود محفوظ می‌داند که بتواند هم‌زمان با بیش از یک مرد به‌صورت رسمی ارتباط جنسی داشته باشد. هرچند رخ‌دادن برخی از این موارد در سطح عموم زنان جامعه در کوتاه مدت، به‌ویژه برای کشوری مانند ایران، دور از ذهن است، اما می‌تواند تصویرگر آینده‌ای امکان‌پذیر و حتی برای برخی جوامع محتمل باشد؛ ...

برخی از سوگیری‌های احتمالی در مقوله‌ی خانواده عبارت‌اند از:

مقایسه‌ی خانواده‌ی ایرانی با خانواده‌ی حاضر در جوامع غربی و تعمیم روندهای غربی به ایران بدون ملاحظه‌ی اسلامی بودن جامعه و پیشینه‌ی تاریخی آن؛ پررنگ کردن بیش از حد تأثیرات مدرنیته و سبک زندگی غربی بر سبک زندگی خانواده‌های ایرانی و ربط‌دادن تمام آسیب‌های خانواده به این جریان‌ها یا برعکس غفلت از نقشه‌های شوم دشمنان نظام و بی‌توجهی به تلاش استعمارگران و معاندین اسلام برای تضعیف اراده‌ی دینی مردم با متزلزل کردن بنیان خانواده؛ ...

۴-۱-۵. واحد پنجم: تصمیم‌گیری

از این واحد به بعد بایستی تفکر همگرا شکل بگیرد. افراد بر مبنای تجسم آینده‌ی دلخواه و مطلوب‌شان تصمیم می‌گیرند. تصمیم‌گیری هم شامل انتخاب آینده‌ی مطلوب است و هم راه و روش رسیدن به آن. تصمیمات نظام برنامه‌ریزی را شکل می‌دهند. این واحد همسوی با واحد پنجم از لایه‌ی اول یعنی اهداف و چشم‌انداز و بخشی از واحد ششم لایه‌ی اول یعنی راهبردها و سیاست‌هاست.

۴-۱-۶. واحد ششم: عملکرد

اگر راهبردهای پیشنهادشده به عملکرد مورد نظر منتهی نشود کار ابتر می‌ماند. در واقع نتیجه‌ی اصلی نظام برنامه‌ریزی تغییر یا اصلاح عملکرد سازمان یا سیستم مورد نظر است. سناریوسازی نیز اگر فقط به نشان‌دادن آینده‌های بدیل منتهی باشد، هرچند برای گشودن افق دید و بهبود تفکر و نگرش مدیران و مجریان خوب است، اما تضمینی برای ارتقا فرایندها و بهبود عملکرد سیستم نیست. عملکرد مطلوب یک نظام خود را در قالب محصولات یا خدمات نشان می‌دهد. مطابق با تحقیقات متعددی که درباره‌ی ترسیم خانواده‌ی مطلوب انجام شده، مهم‌ترین عملکردهای مورد انتظار از خانواده‌ی ایرانی در افق آینده را می‌توان به این صورت برشمرد:

- کاهش نرخ طلاق در جامعه؛
- رشد نرخ جانشین‌پروری (فرزندآوری)؛
- کاهش اختلافات خانوادگی و پرونده‌های قضایی مربوطه؛
- استحکام بنیان خانواده‌ها با به‌وجود آمدن مودت و محبت بیشتر میان اعضای خانواده؛
- ایجاد گفت‌وگو ساده‌زیستی در تمامی مراحل زندگی و مراسمات؛
- حفظ کارکردهای اصیل خانواده؛
- فعال شدن خانواده‌ها برای تقویت جریان‌های اجتماعی مثبت؛
- رشد معنویت در تمامی ابعاد؛

۴-۲. بررسی و تبیین واحدهای لایه‌ی اول

۴-۲-۱. واحد اول: چارچوب‌بندی

در گام نخست، هدف از سناریوپردازی، قلمرو زمانی کار، مشخص کردن اکتشافی یا هنجاری بودن رویکرد، افق برنامه‌ریزی، محیط سناریوسازی، قلمرو متغیرها و سایر انتظارات و شرایط تحقیق تعیین می‌شود. چارچوب‌های اصلی و نقشه‌ی راه تحقیق در این واحد مشخص می‌شوند. افق زمانی تحقیق جاری حدود ۲۰ سال در نظر گرفته شده و محدوده‌ی جغرافیایی تحقیق خانواده‌های ایرانی منتسب به دین اسلام ساکن در کلان‌شهرهای کشور را دربرمی‌گیرد. رویکرد استفاده‌شده در سناریوسازی، اکتشافی یعنی رو به جلوست. داده‌ها و اطلاعات با توجه به آمار و اطلاعات مراجع رسمی کشور و اظهارنظرات خبرگان رشته‌های جامعه‌شناسی خانواده، آینده‌پژوهی، روان‌شناسی و مشاوره‌ی خانواده و کارشناسان دینی حوزه‌ی خانواده جمع‌آوری شده‌اند.

۴-۲-۲. واحد دوم: نیروهای پیشران

مطالعه‌ی نیروهای پیشران در تحقیق جاری با استفاده از منابع علمی داخلی و خارجی، مصاحبه‌های عمیق و نظرسنجی از صاحب‌نظران مقوله‌ی خانواده انجام شده است. مطالعه‌ی نیروهای پیشران در واقع تحلیل عمیق روند ساختار و سبک زندگی خانواده‌های ایرانی در دوران گذشته و حال حاضر است که گام نخست آن تهیه‌ی فهرست اولیه و مقدماتی مؤلفه‌های تأثیرگذار در خانواده است. با بررسی نظرات صاحب‌نظران و فعالین عرصه‌ی خانواده همچون بستان، زیبایی‌نژاد، علی‌احمدی، کرمی، لبیبی، طاهری، قاسم‌پور، فاتحی‌زاده، بانکی‌پور فرد، سراج و ... و با توجه به واحد اول لایه‌ی دوم یعنی روایت و داستان خانواده‌ی ایرانی نزدیک به ۱۵۰ مورد مشتمل بر آسیب، مؤلفه‌ی تأثیرگذار، روند و ... شناسایی و در شاخه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و فناورانه (بر اساس مدل PEST) لیست شد. این موارد در چند مرحله با استفاده از نظرات خبرگان نسبت به میزان اهمیت و قطعی نبودن مؤلفه‌ها، با حذف یک‌سری از مؤلفه‌های کم‌اهمیت و تجمیع موارد مشابه و همسو در نهایت به ۹ مؤلفه‌ی کلیدی به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی تغییر و تحولات مقوله‌ی خانواده تقلیل یافت. مؤلفه‌های احصاشده عبارت‌اند از:

۶۴

۱. متکثرشدن مرجعیت؛
۲. تغییر کارکردهای خانواده و نقش اعضای آن؛
۳. استقلال مالی و هویتی زنان با مشارکت در امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی؛
۴. پیدایش گزینه‌های بدیل ازدواج (از اولویت خارج شدن از دواج)؛
۵. ازدواج‌های غیرمنطقی (عشق‌های سیال، زودگذر، هوس‌گونه و بی‌پایه و اساس)؛
۶. مجامع و جریانات تندرو دفاع از حقوق زنان؛
۷. گرایش به ظواهر مادی زندگی مدرن (عرفی‌گرایی، تجددگرایی، لذت‌طلبی، فردمحوری و ...)
۸. اشتغال، معیشت و اقتصاد خانواده؛
۹. رشد و توسعه‌ی فناوری‌های ارتباطی و زیستی (زندگی مجازی، هویت‌های چندگانه و ...).

۴-۲-۳. واحد سوم: تعیین پیشران‌های کلیدی

همان‌گونه که از عناوین مؤلفه‌های شناسایی شده در واحد دوم لایه‌ی اول مشخص است، برخی از این مؤلفه‌ها در عده‌ای دیگر تأثیر گذاشته و آنها را تقویت یا تضعیف می‌کند. در تحقیق حاضر، برای شناسایی نیروهای عمده‌ی تأثیرگذار در تحولات آینده که همان نیروهای پیشران اصلی هستند، از نرم‌افزار میک‌مک استفاده شده است. در آخرین مرحله‌ی نظرسنجی، از مصاحبه‌شوندگان

تأثیرات متقابل ۹ مؤلفه‌ی تعیین‌شده در قالب ماتریس ۹*۹ سؤال شد. مطابق با روش میک‌مک و برای ورود اطلاعات در نرم‌افزاری که در این خصوص به کار گرفته‌شده، مصاحبه‌شوندگان میزان اثرگذاری میان عوامل را با اعداد بین صفر تا سه مشخص کردند. پس از اخذ نظرات از خبرگان، ارزیابی نظرات، حذف موارد غیرمنطقی و محاسبه‌ی میانگین وزنی هر کدام از خانه‌ها، اطلاعات ماتریس حاصل شده به نرم افزار میک مک وارد شد. شکل شماره‌ی ۶ نشان‌دهنده‌ی ماتریس MDI یا همان ماتریس تأثیرات مستقیم است.

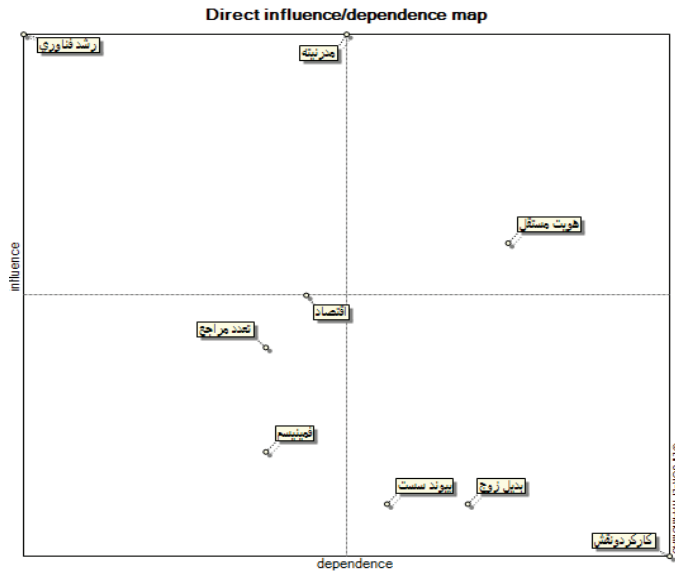
رشد فناوری : 9	اقتصاد : 8	مدرنیته : 7	فمینیسم : 6	پیوند سست : 5	بدیل زوج : 4	هویت مستقل : 3	کارکرد نقش : 2	تعدد مراجع : 1
0	1	2	1	2	2	2	0	تعدد مراجع : 1
0	1	2	1	1	1	2	0	کارکرد نقش : 2
1	2	2	1	2	2	0	1	هویت مستقل : 3
0	1	0	2	2	0	1	2	بدیل زوج : 4
0	1	1	1	0	2	1	2	پیوند سست : 5
0	1	1	0	1	2	2	1	فمینیسم : 6
2	2	0	2	2	2	3	2	مدرنیته : 7
1	0	2	0	1	2	3	1	اقتصاد : 8
0	2	2	2	2	2	2	3	رشد فناوری : 9

© UPSOR-EPITA-MICMAC

0: No influence 1: Weak 2: Moderate influence 3: Strong influence

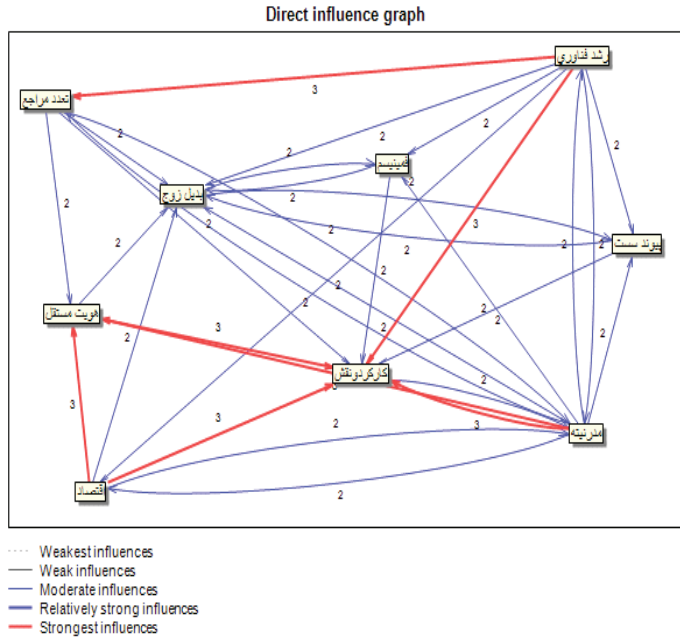
شکل ۶. ماتریس تأثیرات مستقیم (MDI)

ماتریس MDI نشان‌دهنده‌ی تأثیرات سطر در ستون است. مجموع عددهای هر سطر، نشان‌دهنده‌ی تأثیرگذاری متغیر مربوطه و مجموع عددهای هر ستون، نشان‌دهنده‌ی تأثیرپذیری متغیر مربوطه است. نمودار تأثیرگذاری- تأثیرپذیری یکی از خروجی‌های نرم افزار است که در شکل شماره‌ی ۷ نشان داده شده است.



شکل ۷. نمودار تأثیر گذاری-تأثیر پذیری

متغیرهای موجود در شمال غربی این نمودار بیشتر تأثیر گذار بوده و کمتر تأثیر پذیرند؛ بنابراین عملکرد سیستم بیشتر تحت تأثیر یک سوبیه‌ی این متغیرها قرار می‌گیرد. عموماً این متغیرها در خارج از سیستم قرار دارند و کنترل آنها خارج از عهده‌ی سیستم است؛ از این رو می‌توان گفت، تغییرات آنها در آینده در بسیاری از موارد با عدم قطعیت روبه‌روست. به عناصر این منطقه متغیرهای «تعیین کننده» یا «تأثیر گذار» می‌گویند. با توجه به نمودار، رشد و توسعه‌ی فناوری‌ها و گرایش به ظواهر مادی زندگی مدرن (عرفی گرایی، تجدد گرایی، دنیا گرایی، لذت طلبی، فردمحوری و ...)، متغیرهای تأثیر گذار در میان مؤلفه‌های شناسایی شده می‌باشند و می‌توانند به‌عنوان محورهای سناریوسازی استفاده شوند. مؤلفه‌ی اشتغال، معیشت و اقتصاد خانواده و استقلال مالی و هویتی زنان با مشارکت در امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز در منطقه‌ی شمال غربی قرار گرفته و یک مؤلفه‌ی «دو وجهی» هستند. در قسمت جنوب شرقی و جنوب غربی نمودار نیز به ترتیب متغیرهای «نتیجه» و متغیرهای «مستقل» قرار دارند. شکل شماره‌ی ۸ نمایانگر گراف تأثیرات مستقیم است. در این گراف فلش‌های ضخیم‌تر نشان‌دهنده‌ی تأثیر بیشتری است.

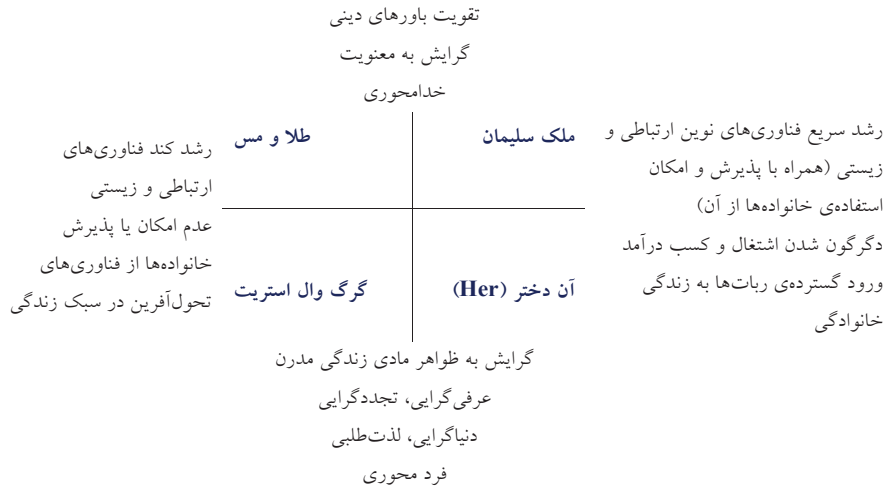


شکل ۸. گراف تأثیرات مستقیم

در این واحد با توجه به مطالب ذکرشده، دو مؤلفه‌ی رشد و توسعه‌ی فناوری‌های ارتباطی و زیستی و گرایش به ظواهر مادی زندگی مدرن به‌عنوان پیشران‌های کلیدی تحقیق استخراج شده‌اند.

۴-۲-۴. واحد چهارم: منطق‌دهی (ساخت سناریوها)

دو پیشران کلیدی استخراج‌شده در واحد قبلی، محورهای متقاطع را برای تعیین سناریوهای آینده‌ی خانواده در ایران تشکیل می‌دهند. بسته به اینکه فناوری‌های ارتباطی و زیستی در آینده با سرعت فزون‌تری رشد و توسعه یابند و خانواده‌ها امکان و پذیرش استفاده از آنها را داشته باشند یا دستاوردهای چندانی در حوزه‌ی فناوری‌های مرتبط با سبک زندگی و ارتباطات افراد حاصل نشود یا امکان و پذیرش استفاده‌ی خانواده‌های مذکور وجود نداشته باشد و اینکه گرایش به معنویت و معارف الهی در نگرش و رفتار خانواده‌های امروز و فردا نهادینه شود یا سبک زندگی و تفکر و نگرش خانواده به سمت مظاهر مادی دنیای مدرن بیش از پیش سوق پیدا کند، می‌توان چهار سناریو را مطرح کرد.



شکل ۹. سناریوهای آینده‌ی خانواده در ایران

عنوانی که برای هر یک از سناریوها انتخاب می‌شود باید به نوعی بیانگر یا تداعی‌کننده‌ی شرایط موردنظر در آن حالات باشد. در این تحقیق از عناوین فیلم‌های سینمایی استفاده شده است. در ادامه توضیحات مختصری راجع به هر یک از سناریوها و عنوانی که بر آنها اطلاق شده ارائه می‌شود.

سناریوی اول: ملک سلیمان

در سناریوی اول آینده‌ای توصیف می‌شود که در آن فناوری‌های ارتباطی، زیستی و آنچه که در سبک زندگی انسان‌ها دخیل است با سرعت چشمگیری رشد و توسعه یافته و خانواده‌های ایرانی - که در این سناریو بحث می‌شوند - در حالی که امکان و پذیرش استفاده از فناوری‌های نوین و زندگی مدرن را دارند، از مسیر بندگی خدا غافل نشده و همچنان به معنویات دینی گرایش و اعتقاد راسخ دارند. به هر حال بعید نیست در آینده‌ای نزدیک یا دور رشد فناوری به حدی برسد که تصور آن نیز باورنکردنی باشد. در آن زمان شاید شاخص‌های توسعه‌یافتگی به کلی دگرگون شود؛ نوع مشاغل به کلی دگرگون شده و پیشرفت‌های مهمی در فناوری‌های زیستی و ارتباطی به‌وجود آمده باشد. خانواده‌هایی که در این سناریو قرار می‌گیرند با توجه به اعتقادات و گرایششان به دین اسلام، شکل‌گیری خانواده را حاصل پیوند شرعی میان زن و مردی می‌دانند که واجبات تأکیدشده در دین اسلام را نقض نکنند. فرزندآوری در چنین خانواده‌هایی مرسوم و مورد استقبال است. نقش جایگاه اعضای خانواده با نقش‌ها در خانواده‌ی مذهبی امروزی تفاوت چندانی ندارد، اما کارکرد آنها به دلیل موکول شدن برخی دیگر از کارکردهای خانواده به نهادهای اجتماعی تا

حدودی متفاوت است. بسیاری از وظایفی که زن خانواده به‌عنوان مادر و همسر برعهده دارد، متفاوت از یک زن خانه‌دار در دنیای فعلی است. تقریباً تمامی وظایف خدماتی خانه به وسیله‌ی تجهیزات و فناوری‌های نوین انجام می‌شود. زنان تحصیلات بالا داشته و عموماً شغل و درآمدی مستقل دارند. مشاغل به‌گونه‌ای است که در بسیاری از موارد به حضور فیزیکی در محیط کار نیازی نیست و خانواده زمان بیشتری را در کنار هم می‌گذرانند.

عنوان «ملک سلیمان» - که بازنمایی زندگی حضرت سلیمان و قدرت خدادادی او در برابر انس و جن بود- به این دلیل برای این سناریو انتخاب شد تا زندگی افرادی به ذهن تداعی گردد که با وجود داشتن امکان و قدرت استفاده از تکنولوژی‌هایی فراتر از تصور بشر کنونی و دسترسی آسان به انواع ابزارهای رفاهی، راه حقیقت را برمی‌گزینند و از یاد خدا غافل نمی‌شوند.

سناریوی دوم: طلا و مس

در سناریوی دوم آینده‌ای توصیف می‌شود که در آن فناوری‌های ارتباطی، زیستی و آنچه که در سبک زندگی انسان‌ها دخیل است، رشد و توسعه‌ی چندانی نداشته یا اگر هم رشدی داشته، خانواده‌هایی که در این سناریو بحث می‌شوند یا امکان استفاده از آن فناوری‌ها را ندارند یا خیلی توجه و اقبال به آنها ندارند. خانواده‌هایی که در این دسته قرار گرفته‌اند، از مسیر بندگی خدا غافل نشده و پای‌بندی خود را به معنویات دینی حفظ کرده‌اند. گرایش و اعتقاد راسخ این افراد به دین اسلام چه در تنگدستی و چه در غنای مالی تغییری نمی‌کند و به اصطلاح در مسیر بندگی خداوند ثبات قدم دارند. در این سناریو بیشتر ادامه‌ی وضع فعلی جامعه مورد نظر است. اینان مانند خانواده‌های توصیف شده در سناریوی اول، اعتقادات و گرایش‌های مذهبی به نسبت عمیقی دارند و جزء خانواده‌ی سنتی مذهبی شناخته می‌شوند. شکل‌گیری و ساختار این خانواده‌ها مانند سناریوی اول است با این تفاوت که در کارکردها سعی‌شان بر این است که کارکردهای اصیل خانواده به‌ویژه جامعه‌پذیری کودکان و حمایت عاطفی را حفظ کنند. یکی از مسائل موجود در این دسته از خانواده‌ها شکاف بین نسلی است؛ نسل برخی از این خانواده‌ها، پس از تشکیل خانواده‌ی جدید در سناریوی چهارم قرار می‌گیرند. فرزندان خانواده‌هایی که در نزدیکی محور افقی قرار دارند - یعنی اعتقادات قوی نداشته و در گرایش به خداوند ایمان ضعیفی دارند- علاقه‌ی بیشتری به مادیات و زندگی مدرن دارند؛ لذا ممکن است این خانواده‌ها را به سمت سناریوی چهارم سوق دهند و مسیر زندگی‌شان براساس تمایلات فرزندشان منحرف شود.

«طلا و مس» یک درام خانوادگی با پس‌زمینه‌ی مذهبی است که روابط عاطفی یک زوج مذهبی را روایت می‌کند. زوجی که به دلیل چالش‌های معیشتی و معضلات زندگی روزمره در آستانه‌ی شک و تردید یا امتحان و آزمایش الهی در محک ایمان‌ورزی قرار گرفته‌اند. اساساً طلا و مس اخلاقی زیستن را درون واقعیت روزمره‌ی زندگی به تصویر می‌کشد. در این فیلم سبکی از زندگی دیده می‌شود که بر پایه‌ی حجب و حیا تشکیل شده و هر چه می‌گذرد عمق آن بیشتر می‌شود که آن را می‌توان سبکی از زندگی اسلامی-ایرانی دانست.

سناریوی سوم: آن دختر (Her)

در این سناریو نیز همچون سناریوی اول صحبت از آینده‌ای است که در آن فناوری‌های ارتباطی، زیستی و هر آنچه که در سبک زندگی انسان‌ها دخیل است با سرعت چشمگیری رشد و توسعه یافته است ولی در این سناریو برخلاف سناریوی اول، توسعه و رشد خود ایزاری برای غفلت بیشتر عده‌ای از خانواده‌های مسلمان از مسیر بندگی خدا شده، تا جایی که تفاوت زیادی میان زندگی آنها با افراد بی‌دین دیده نمی‌شود. لذت‌طلبی و دنیاگرایی در این دسته مشهود است و به خود اجازه‌ی استفاده از هر تکنولوژی جدیدی را برای لذت‌جویی بیشتر می‌دهند و با توجه به تمایلات خود دین را تفسیر به رأی می‌کنند. هر چند اعضای یک خانواده به‌ظاهر مدت زمان زیادی را کنار یکدیگر می‌گذرانند، اما در واقع بخش زیادی از آن را مشغول برقراری ارتباط با فضای مجازی هستند. افراد به پوشش ظاهری، فیزیک بدن و شرایط جسمانی خود بسیار توجه کرده و برای آن مبالغه‌نگفتی هزینه می‌کنند. در چنین شرایطی، برای بشر توسعه‌یافته‌ی فاقد معنویات چیزی جز لذت معنا ندارد. این بشر حتی اگر کار خیرخواهانه‌ای انجام دهد پاسخی است به احساسات درونی. ماهیت خانواده در سناریوی سوم یک شکل ثابت یا ساختاریافته نیست. در این سناریو، انواع متعددی از زندگی را می‌توان خانواده نامید. تشکیل این خانواده می‌تواند با جنس مخالف، هم‌جنس، حیوان، انسان شبیه‌سازی شده و یا یک شیء دست‌ساخته مثل یک ربات باشد. میزان پای‌بندی و تعهد به حفظ این خانواده نیز بسیار متنوع است؛ از یک لحظه تا یک عمر. سردرگمی و آشفتگی، چنگ‌زدن به انواع مخدرها برای رسیدن به آرامش خیالی و خوشگذرانی مفرط از جمله ویژگی‌های این قبیل خانواده‌ها است. زنان سخت زیر بار رنج و مسئولیت فرزندآوری می‌روند. اگر تکنولوژی تا حد فرزندآوری خارج از رحم پیشرفت کرده باشد از آن استفاده می‌کنند و گرنه زندگی بدون فرزند یا تک‌فرزندی را برمی‌گزینند. ازدواج و طلاق‌های مکرر که به نوعی تجربه‌ی زندگی‌های مشترک متعدد است رواج می‌یابد. دیگر نمی‌توان از چنین اجتماعی انتظار کارکرد یک خانواده را داشت.

Her (آن دختر) نام فیلمی کمدی-درام، رمانتیک و علمی-تخیلی است که سال ۲۰۲۵ را به‌تصویر کشیده است. در دنیایی که در فیلم به‌تصویر کشیده شده، همه‌ی مردم به چیزی وصل هستند و سمک‌مانندهایی برای ارتباط با سیستم‌های اطلاعاتی شخصی‌شان به گوش می‌زنند. تایپ کردن منسوخ شده و بازی‌های کامپیوتری با استفاده از فناوری سه بعدی حقیقی تماماً آمیخته با حرکات بدن شده‌اند. ارتباطات اغلب بدون نام و نشان انجام می‌شود و معمولاً فعالیت‌های جنسی بدون تماس فیزیکی رخ می‌دهد. در آینده‌ای که در این فیلم ترسیم شده، بسیاری از بیماری‌ها درمان‌پذیر شده‌اند، مشکلات سیاسی حل شده و معیشت مردم نیز در وضعیت خوبی است. با وجود این در این دنیای شاد و جذاب، مشکل تنهایی انسان‌ها کماکان حل نشده باقی مانده است. پیشرفت فناوری‌های ارتباطی و زیستی که به سبک جدیدی از زندگی منجر شده و ارتباطات خانوادگی قدیمی را تحت تأثیر قرار داده در این فیلم بسیار مشهود است تا جایی که نقش اول فیلم همسر خود را ترک می‌کند و با یک سیستم عامل ازدواج می‌کند و در نهایت بهره‌اش چیزی جز تنهایی نیست.

سناریوی چهارم: گرگ وال استریت^۱

در سناریوی آخر نیز همانند سناریوی دوم آینده‌ای توصیف می‌شود که در آن فناوری‌های ارتباطی، زیستی و آنچه که در سبک زندگی انسان‌ها دخیل است رشد و توسعه‌ی چندانی نداشته یا اگر هم رشدی داشته خانواده‌هایی که در این سناریو نشان داده می‌شوند یا امکان استفاده از آن فناوری‌ها را ندارند یا خیلی توجه و اقبالی به آنها ندارند. تفاوت این سناریو با سناریوی دوم در این است که در سناریوی آخر خانواده‌ها گرایش به لذت‌طلبی و دنیاگرایی دارند و هرچند خود را مسلمان معرفی می‌کنند، اما در واقع رفتارشان شباهت ناچیزی با دستورات دین اسلام دارد و با بسیاری از مسائل با نگاه عرفی‌نگری برخورد می‌کنند. غفلت از خدا و دلبستگی شدید به دنیا ملموس‌ترین مؤلفه‌ی زندگی آنهاست. این افراد در برابر فشارهای مالی و سختی‌های زندگی مقاومت چندانی از خود نشان نمی‌دهند و دائم در حال انتقاد از وضع موجود و خواستار اصلاحات بنیادی هستند. در این سناریو، خانواده‌هایی که به لحاظ مالی توان پایین‌تری دارند و می‌خواهند به هر قیمت شده از فناوری‌ها و جذابیت‌های موجود دنیا استفاده کنند و زندگی لوکس را تجربه کنند می‌توانند با چند خانواده‌ی دیگر که به لحاظ فرهنگی و نگرشی نزدیک به هم هستند تشکیل یک کمون را داده و زندگی اشتراکی داشته باشند. برخی از این خانواده‌های کم‌بضاعت روی به

ابزاری می‌آورند که بتواند آنها را تخدیر کند؛ یعنی با روی آوردن به مواد مخدر، مشغول شدن در تجارت سکس، خودآرایی، نشستن پای ماهواره و ... در جست‌وجوی آرامش خیالی هستند. تلاش برای تغییر نظام به سمت آزادی و رفاه بیشتر و آرزوی مهاجرت به خارج در این‌گونه خانواده‌ها به وفور دیده می‌شود. در این سناریو مانند سناریوی سوم انواع مختلفی از خانواده‌ها می‌تواند تشکیل شود که حتی فرزندآوری‌شان برای لذت‌بردن بیشتر از زندگی است؛ لذا تعداد فرزندان در این خانواده‌ها کم است؛ قبح طلاق شکسته شده و در برخی موارد تعدد ازدواج و طلاق مشاهده می‌شود؛ غالب کارکردهای خانواده نیز به نهادهای بیرونی سپرده شده و فردگرایی ملموس است. «گرگ وال استریت» روایتی است از داستانی حقیقی بر پرده‌ی سینما که غرق شدن در لهویات دنیایی را به‌خوبی به‌تصویر کشیده است. مارتین اسکورسیزی^۱، کارگردان ایتالیایی-آمریکایی، در این فیلم داستان زندگی مردی را روایت می‌کند که با دلالتی سهام، ثروت هنگفتی به‌دست آورده و همواره مشغول خوشگذرانی است و درنهایت قانون وی را محکوم کرده و امپراتوری‌اش سقوط می‌کند. در این فیلم، نشان داده می‌شود که یک انسان چگونه ممکن است مانند گرگی حقوق دیگر انسان‌ها را زیر پای بگذارد و برای رسیدن به مطامع دنیایی از هیچ فریب و خطایی دریغ نکند.

۴-۲-۵. واحد پنجم: اهداف و چشم‌انداز (تعیین آینده‌ی مطلوب و انتخاب بهترین سناریو)

برای تعیین سناریوی مرجح در این واحد و ترسیم راهبردهای رسیدن به وضع مطلوب در واحد بعدی ترسیم چشم‌اندازی از وضعیت خانواده‌ی مطلوب نیاز است. برای ترسیم این چشم‌انداز مطلوب باید شاخص‌هایی را که نشان‌دهنده‌ی وضعیت خانواده است استخراج کرده و با توجه به منابعی از قبیل اسناد بالادستی و تحقیقات مرجع موجود کار شده درباره‌ی خانواده‌ی مطلوب برای هریک از شاخص‌ها وضعیت مطلوب ترسیم شود. سپس با تطبیق سناریوهای به‌دست‌آمده با وضع مطلوب می‌توان سناریوی مرجح را انتخاب کرد.

درباره‌ی سناریوهای ترسیم شده می‌توان گفت، سناریوهای اول و دوم مطلوبیت بیشتری دارند، اما آینده چنان نیست که تمامی خانواده‌ها در یکی از سناریوهای معرفی‌شده قرار گیرند؛ یعنی برای خانواده‌ها یک سناریو و یک آینده وجود ندارد و طیفی از آینده‌ها هستند که خانواده‌ها در آنها پراکنده‌اند. اینکه سناریوهای یک و دو مطلوبیت بیشتری دارند نه تنها به این دلیل است که دین اسلام می‌خواهد مردم را به سمت وحدانیت و عبودیت سوق دهد و این امر در این دو سناریو بهتر

1. Martin Scorsese

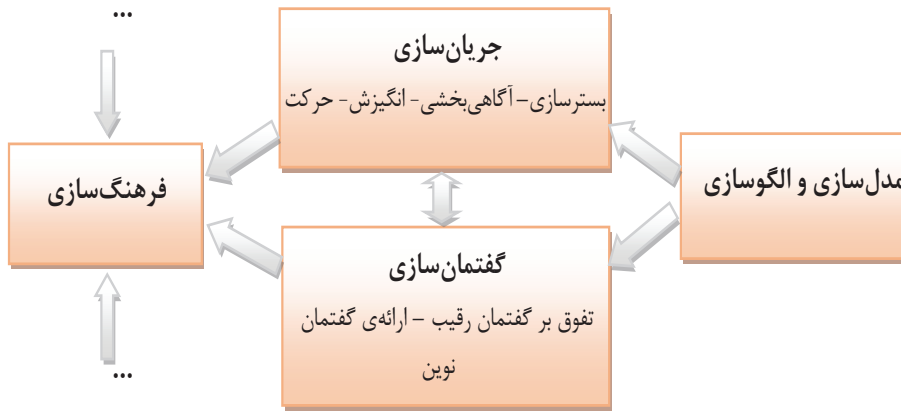
اتفاق می‌افتد، بلکه به دلیل مشکلاتی است که در خانواده‌های مدرن از لحاظ تشکیل و استحکام خانواده وجود دارد و به دلیل وجود آنها احتمال تزلزل و فروپاشی خانواده به مراتب بیشتر است.

۴-۲-۶. واحد ششم: راهبردها و سیاست‌ها

هر نوع برنامه‌ریزی هرچند هم قوی باشد، اگر به راهبردپردازی ختم نشود ابتر است. اصلاً ارائه‌ی راهبردها و سیاست‌ها برای تحقق اهداف، جزء جدایی‌ناپذیر برنامه‌ریزی است. به دلیل ارتباط مستقیم و غیرمستقیم خانواده با بسیاری از حوزه‌ها و مقولات، تصمیم‌گیری و اتخاذ سیاست در بسیاری از موضوعات در متغیرهای خانواده از جمله سبک زندگی خانواده‌ها تأثیرگذار است. با وجود این در این واحد راهبردهایی که تأثیرگذاری مستقیم و ملموس با اولویت تأثیرگذاری در کوتاه‌مدت در خانواده دارند پیشنهاد می‌شوند. راهبردها را می‌توان در سطوح مختلف سیاست‌گذاری‌های کلان و نهادهای اجتماعی فعال در مقوله‌ی خانواده پیشنهاد داد. در این پژوهش، محقق سعی می‌کند تا به روشی کاربردی مقتضیات ایجاد یا اصلاح یک فرهنگ و نهادینه کردن آن در بطن زندگی خانواده‌ها به وجود آید.

با توجه به سناریوهای مطرح شده چنانچه در فناوری‌ها پیشرفت سریع رخ دهد ولی تغییرات به کندی انجام شود و وضع موجود ادامه یابد، برای استحکام خانواده سناریوهای ۱ و ۲ مطلوب‌ترند. در هریک از این سناریوها، برای تحکیم بنیان خانواده‌ها و رشد و تعالی آنها بایستی فرهنگ غنی اسلامی در خانواده‌ها نهادینه شود. به نظر محقق، برای ایجاد یک فرهنگ سازنده در میان خانواده‌ها باید این مراحل پیموده شود: -مدل‌سازی (الگوسازی)؛ -جریان‌سازی؛ -گفتمان‌سازی؛ -فرهنگی‌سازی.

ارتباط عناصر ذکر شده را می‌توان به صورت شکل شماره ۱۰ ترسیم کرد.



شکل ۱۰. فرایند ایجاد، تقویت و یا اصلاح یک فرهنگ در میان خانواده‌ها

شکل شماره ۱۰ بیانگر این است که فرهنگ آینده‌ی خانواده‌ی ایرانی از برآیند چندین مؤلفه متأثر است که بخشی از آن را می‌توان با مدل‌سازی، جریان‌سازی و گفتمان‌سازی شکل داد. در عمل، ترتیب این عناصر بسته به موضوع می‌تواند متغیر باشد. در برخی از موارد لازم است، برای تحریک جامعه‌ی نخبگانی ابتدا گفتمان‌سازی انجام شود تا نظر اهل علم برای ورود به آن موضوع جلب شود.

راهبردهایی که قرار است در مرحله‌ی آخر لایه‌ی اول پیشنهاد شوند را می‌توان در سه فضای مدل‌سازی، جریان‌سازی و گفتمان‌سازی و برای دو گروه از مخاطبان (نهادهای اجتماعی با کارکردهای اجتماعی و تربیتی و سطوح حاکمیتی) ارائه کرد. در خصوص مدل‌های عملیاتی و کاربردی که مقتضیات امروز و فردای جامعه‌ی ایرانی را لحاظ کرده و برای عموم خانواده‌ها با سلیق مختلف کارآمد باشد، خلأ محسوسی وجود دارد. پس از استخراج مدل‌ها با جریان‌سازی می‌توان آنها را در جامعه گسترش داد. البته وقتی این کار با موفقیت انجام می‌شود که نمونه‌های موفق و درواقع الگوهایی از مدل به جامعه عرضه شود. در کنار مدل‌سازی و جریان‌سازی، برای تشویق نخبگان به فعالیت علمی در حوزه‌ی مدل‌سازی و تحریک مردم به استفاده‌ی عملی از مدل‌ها، بایستی گفتمان‌سازی شود که این امر با کمک تأثیرگذاران کلیدی و به اصطلاح تریبون‌داران محقق می‌شود. چنانچه در خصوص موضوعی این سه مؤلفه به‌خوبی ایفای نقش کنند، خودبه‌خود و به تدریج، فرهنگ مرتبط با آن موضوع نیز شکل خواهد گرفت. البته سرعت شکل‌گیری فرهنگ

به پارامترهای بسیاری وابسته است. در زمان فعلی و آینده‌ی کوتاه‌مدت، خانواده‌ها یا در وضعیت سناریوی دوم هستند یا در وضعیت سناریوی چهارم؛ لذا بایستی راهبردها برای حرکت خانواده‌های واقع در سناریوی چهارم به سمت سناریوی دوم و تقویت خانواده‌های واقع شده در وضعیت سناریوی دوم برای باقی‌ماندن در این وضعیت همراه با ارتقا بعد معنوی و تلاش در هدایت دیگران برای رسیدن به تعالی باشد. احتمال وقوع سناریوی اول و سوم در آینده‌ی بلندمدت بیشتر است و در صورت توسعه‌ی فناوری‌های ارتباطی و زیستی ریزش تعداد بیشتری از خانواده‌ها به سمت سناریوی سوم انتظار می‌رود.

در ادامه، راهبردهایی در حوزه‌های ذکرشده پیشنهاد می‌شود:

الف) پیشنهادات راهبردی در حوزه‌ی مدل‌سازی

۱. راه‌اندازی و تقویت اندیشکده‌هایی در حوزه‌ی خانواده؛

علت وجودی اندیشکده‌ها در جهان تأثیرگذاری در سیاست‌ها و افکار عمومی است. یکی از مراکزی که می‌تواند با حداقل تعصب و سیاسی‌کاری، مدل‌های نظری را به مدل‌های عملیاتی کارآمد تبدیل کند همین اندیشکده‌ها هستند. اکنون در بسیاری از اندیشکده‌های مطرح جهان -همچون بروکینگز، هریتج و ... که بیشتر به فعالیت‌های سیاسی مشهورند- کارگروه‌هایی در حوزه‌های اجتماعی از جمله خانواده مشغول به فعالیت هستند و اندیشکده‌هایی مانند مؤسسه‌ی مطالعات خانواده آمریکا، مؤسسه‌ی خانواده وانیه و مرکز خانواده کبک کانادا، فدراسیون بین‌المللی رشد خانواده اسپانیا، مرکز خانواده مدرن انگلیس، مؤسسه‌ی تحقیقات خانواده اسپانیا، مؤسسه‌ی بین‌المللی خانواده دوحه قطر و ... نیز وجود دارند که فقط در مباحث حوزه‌ی خانواده مشغول به فعالیت‌اند.

۲. تحریک پژوهشگران حوزه‌ی خانواده برای تولید مدل‌های کاربردی و عملیاتی در عوض مدل‌های انتزاعی؛

متأسفانه بیشتر تحقیقات، مقالات و پایان‌نامه‌های دانشجویی تنها ارائه‌ی یکسری علوم غیرمفید و غیرکاربردی است. در حوزه‌ی علوم انسانی این موضوع به‌شدت ملموس است. اگر اساتید بر کاربردی بودن خروجی پایان‌نامه‌ها تأکید بیشتری داشته باشند و تنها به فکر تقویت رزومه با مقالات غیرکاربردی نباشند، گام مؤثری در تولید مدل‌های عملیاتی و کارا برداشته می‌شود.

۳. لزوم پیوست‌شدن تحلیل‌های سیاستی و مدل‌های اجرایی در کنار اسناد راهبردی؛ خانواده‌نهادی است که با نهادهای متعدد اجتماعی سروکار دارد؛ لذا سیاست‌گذاری در بسیاری از ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مستقیم یا غیرمستقیم در خانواده تأثیرگذار است. اگر سیاست‌گذاران ملزم شوند در کنار راهبردها و سیاست‌هایی که تأثیر آنها در خانواده ملموس است، آثار مثبت و منفی آن راهبرد، برنامه یا سیاست در خانواده را تحلیل کنند؛ به یقین سعی خواهند کرد که راهبرد یا سیاست اتخاذ شده با منافع خانواده تناقضی نداشته باشد.

۴. طراحی و ساخت محصولاتی باکیفیت و به‌روز متناسب با سبک زندگی اسلامی؛ یکی از عواملی که سبک زندگی غربی یا به اصطلاح مدرن را برای جهانیان جذاب جلوه داده است، محصولات و فناوری‌های نوینی بودند که با تفکر مدرن طراحی شده و البته سلیق انسان لذت‌جو نیز در آنها لحاظ شده است. این محصولات از انواع خوراکی‌ها گرفته تا وسایل آرایشی، تجهیزات آشپزخانه‌ای، پوشاک، نقشه‌های طراحی ساختمان، لوازم نشاط و تفریح، موسیقی، فیلم و دهها مورد دیگر که به نوعی سبک زندگی خانواده را شکل می‌دهند، تمام دنیا را تحت‌الشعاع خود قرار داده‌اند. برخی از این نوآوری‌ها با ارزش‌های اسلامی منافاتی ندارد، اما برخی، با آن ارزش‌ها متناقض بوده و هرچند در ابتدا از ورودشان ممانعت به‌عمل آمد، اما به تدریج بخشی از زندگی عموم خانواده‌ها شدند و سبک زندگی خانواده‌ها با توجه به آن محصولات تغییر محسوسی کرد. حال برای ترویج سبک زندگی اسلامی باید محصولات متناسب با آن نیز تولید شود. در این امر نیز به ورود نهادهای مردمی، صاحبان صنایع و حمایت دولت نیاز است.

۵. تولید مدل‌های صحیح فعال‌کردن زنان در سطوح مختلف کشور؛ جریانات مختلفی همچون فمینیسم با شعارهای به ظاهر جذاب و فریبنده سعی دارند زنان را به بطن جامعه آورده و به اصطلاح آنان را از زیر یوغ مردان آزاد کنند. تبیین افکار پشت پرده‌ی این جریانات و رسواکردن آنها هرچند لازم است، اما کافی نیست. به هر حال با روند روبه‌رشد افزایش تحصیلات زنان و ورود بیش از پیش آنها به فعالیت‌های اجتماعی و همچنین درخواست بیشتر آنها برای خارج‌شدن از مواضع انفعالی در زندگی لازم است، مدل‌هایی برای جهت‌دهی صحیح این روند متناسب با سبک زندگی اسلامی تولید شود.

ب) پیشنهادات راهبردی در حوزه‌ی جریان‌سازی

۱. تشکیل مجمعی به‌عنوان متولی دفاع از حقوق خانواده

با روی کار آمدن دولت‌های متعدد به وضوح دیده می‌شود که هر دولتی بنا به نگرش حزبی، سیاسی و نوع نگاه فرهنگی خود در مناسبات فرهنگی جامعه تغییراتی به‌وجود می‌آورد؛ لذا برای اینکه حمایت و دفاع از خانواده دستخوش تلاطم‌های مربوط به رفت‌وآمد دولت‌ها نشود، سزاوار است شورا یا مجمعی با اختیارات و وظایف مقرر تشکیل شود تا ضمن نظارت بر سیاست‌های کلان و جلوگیری از به‌خطر افتادن منافع خانواده، از نهادهای مردمی و اندیشکده‌های فعال در حوزه‌ی خانواده نیز دفاع کند. البته بایستی برای تعیین جایگاه و نحوه‌ی ارتباطات این شورا یا مجمع با دیگر نهادهای موجود مطالعات عمیقی انجام شود تا یک نهاد بلا تکلیف دیگر در کنار نهادهای موجود اضافه نشود و خروجی‌ها و تصمیماتش محل تردید واقع نشود.

۲. تخصیص بخشی از بودجه‌ی سازمان‌ها برای تحکیم خانواده‌ی پرسنل و حمایت از فرزندآوری؛ هرچند در این خصوص مبالغی در فیش حقوقی ذکر شده و تشویقی‌هایی برای تولد نوزاد و تبصره‌هایی نیز برای مرخصی زایمان زنان وجود دارد، اما شواهد نشان می‌دهد این تسهیلات خیلی برانگیزاننده و تأثیرگذار نیستند. اگر هر سازمانی برای ارتقا اخلاقی، علمی و ایجاد شادی و نشاط در خانواده‌های تابعه‌ی خود برنامه‌ریزی کند، بازدهی کارکنان بیشتر خواهد بود.

۳. اختصاص بخشی از فعالیت‌های نهادهای مذهبی به رفع برخی از احتیاجات خانواده‌ها و تقویت فعالیت‌های دینی خانواده‌محور؛ هرچند در حال حاضر مراکز یا شخصیت‌های دینی معتقدند که دین اسلام برای تمامی مراحل زندگی و نیازهای بشری راهنما و دستورالعمل دارد، اما تمام نیازهای مراجعین را برطرف نمی‌کنند و بیشتر به دینداری و اخلاق توصیه می‌کنند. نیازها، مسائل و مشکلات زیادی پیش‌روی افراد قرار می‌گیرد که در عمل به آنها توجهی نمی‌شود و در نهایت یکسری نصیحت و پیشنهاد است که نصیب فرد می‌شود. اشتغال، معیشت، مسکن و... از جمله مسائلی هستند که هرچند در این مبادی بحث می‌شوند، اما برای تأمین آنها در این اماکن مستقیم هیچ فرایندی تعریف نشده است. این راهبرد باید با کمک نهادهای مردمی و تشکلات فعال در مراکز دینی محقق شود.

۴. شناسایی و معرفی زنان موفق به جامعه؛

مطابق فرمایشات رهبر انقلاب، وقتی در جامعه جریانی شکل می‌گیرد که نمونه‌ی موفق آن به جامعه معرفی و در شکل‌های مختلف از آن تقدیر و تجلیل به‌عمل آید. زنانی که هم در زمینه‌ی

تحصیل علم و معرفت، هم در فعالیت‌های اجتماعی و هم در عرصه‌ی خانواده و تربیت فرزندان شایسته به‌طور موفق عمل کرده‌اند باید به جامعه معرفی گردند تا الگوی زنان دیگر واقع شوند.

ج) پیشنهادات راهبردی در حوزه‌ی گفتمان‌سازی

۱. تقویت ارتباط خانواده‌ها با رسانه‌های مؤثر داخلی؛

گفتمان‌سازی را نهادها یا اشخاص مؤثر به کمک رسانه‌های ارتباط جمعی به‌وجود می‌آورند. هر رسانه‌ای که بیشتر از آن استقبال می‌شود، برای تأثیرگذاری روی مخاطبان خود پتانسیل بیشتری دارد.

۲. ارتقا سرمایه‌ی اجتماعی با تحقق عدالت اجتماعی و اجرای بدون مسامحه‌ی قوانین؛

بی‌شک بر همگان واضح است که سرمایه‌ی اجتماعی نسبت به اوائل انقلاب کاهش یافته و شاید مهم‌ترین و اصلی‌ترین دلیل آن فاصله‌گرفتن مدیران و مسئولین رده بالای جامعه با عموم مردم و فسادها، رانت‌ها و خلاصه بی‌عدالتی‌های اتفاق افتاده طی این ۴۰ سال است. برای اینکه گفتمان انقلاب و گفتمان‌های همسو در تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده و سوق دادن خانواده‌ها به سمت معنویت اتفاق بیفتند و گوش شنوا و قلب پذیرنده‌ای برای آن وجود داشته باشد، بایستی عدالت اجتماعی در عمل تحقق یابد.

۳. تولید گفتمان رقابت‌پذیر با گفتمان‌های رقیب؛

همواره رقبای گفتمان انقلاب اسلامی یا به‌عبارتی دشمنان اسلام در جلوه‌دادن به زندگی مدرن و نشان‌دادن زرق‌وبرق دنیایی پیشرفته‌هایی داشته‌اند و با پیشرفت در فناوری‌های ارتباطی و زیستی توانسته‌اند چشم جهانیان را به حیات مادی و رفاهی خود جلب کنند. به‌تصویر کشیدن پلیدی‌های این جریان و نشان‌دادن آن روی سکه که چیزی جز تباهی و پستی نیست از جمله اقدامات آگاهی‌بخش به جامعه‌ی اسلامی است. رصد و دیده‌بانی جریان‌ات مدرنیته و نشان‌دادن سناریوهای آینده‌ی بلندمدت این نظام فکری و البته دلایل ماندگاری آن می‌تواند نقاب از چهره‌ی گفتمان رقیب بردارد و کوتاه‌فکران داخلی را نیز آگاه کند. از سوی دیگر، باید با استفاده‌ی بهینه از ابزار هنر، ظرفیت‌های متعالی دین اسلام و حقیقت اسلام و آینده‌ی درخشانی که می‌توان با داشتن این دین مبین در همین حیات دنیایی به آن دست یافت به جامعه نشان داده شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

ایران به‌عنوان یک کشور در حال توسعه، همچون بسیاری از کشورهای دیگر در مواجهه‌ی با مدرنیته و توسعه و پیشرفت‌های جوامع غربی قرار گرفته است. در این مواجهه، برخی از ارزش‌ها و نگرش‌های خانواده‌های ایرانی که عموماً مسلمان هستند، تغییر یافته و همین تغییرات موجب پیدایش سبک‌های جدیدی در زندگی مردم شده است؛ تا جایی که برخی از این رفتارها تعارضات جدی با اصول دین اسلام دارد. در تحقیق جاری سعی شده درباره‌ی ترسیم آینده‌های بدیل خانواده در ایران پژوهشی انجام شود. در این مقاله - که در واقع حاصل نتایج یک پروژه‌ی آینده‌نگاری درباره‌ی خانواده‌های ایرانی است - با استفاده از رویکرد چرماک و الگوی لایه‌ای توسعه‌ی راهبرد مبتنی بر سناریوسازی، مؤلفه‌های میزان پیشرفت در فناوری‌های ارتباطی و زیستی و گرایش یا عدم گرایش به معنویت به‌عنوان پیشران‌های عمده‌ی تأثیرگذار در تحولات آینده‌ی خانواده شناسایی شده و با تقاطع این پیشران‌ها چهار سناریو با عناوین ملک سلیمان، طلا و مس، آن دختر (Her) و گرگ وال استریت ارائه و خصوصیات خانواده‌های ایرانی در هریک از این آینده‌های ممکن توصیف شد.

۷۹

پس از استخراج سناریوها راهبردهایی برای حرکت به سمت دو سناریوی اول و دوم - که ترجیح بیشتری داشتند - پیشنهاد شد. در خصوص راهبردپردازی با مروری بر اسناد بالادستی و سیاست‌های اتخاذ شده در نهادهای اجرایی مرتبط دیده شد که گزاره‌ها و عناوین بسیار متعالی و جذابی در اسناد و چشم‌اندازها وجود دارد. شاید نبود مدل‌ها و الگوهای مرتبط و کارآمد و همچنین نبود بستر و ساختار مناسب و غالب‌نشدن گفتمان اسلامی در مقابل گفتمان‌های رقیب موجب شده تا پیشرفت چندانی حاصل نشود. نظر محقق برای نیل به سناریوی مطلوب، راهبردپردازی در سه حوزه‌ی الگوسازی، جریان‌سازی - که البته بسترسازی و ساختارسازی را نیز درون خود دارد - و گفتمان‌سازی است که در هریک از این حوزه‌ها راهبردهایی پیشنهاد شد.

در عمده‌ی تحقیقات آینده‌نگاری خانواده در کشورهای آمریکایی و اروپایی عواملی همچون رشد و توسعه‌ی فناوری، رشد اقتصادی، میزان فراگیر شدن فرهنگ لیبرال، تساوی جنسیتی، تعدد اشکال خانواده و از این قبیل به‌عنوان پیشران‌های کلیدی تحول‌آفرین مطرح شده‌اند. در تحقیق جاری، عامل فناوری به‌عنوان یکی از پیشران‌های کلیدی شناسایی شد که نشان‌دهنده‌ی تأثیر مستقیم توسعه‌ی فناوری در سبک زندگی و ساختار خانواده‌هاست، با این تفاوت که این عامل تغییرات رونمایی را شامل می‌شود و سناریوهای مطلوب با توجه به پیشران کلیدی دیگر که میزان گرایش به معنویت و یا مادی‌گرایی است تعیین می‌شوند. بی‌شک در آینده فناوری‌های سخت و

نرم با سرعت کم یا زیاد توسعه خواهند یافت و ظواهر زندگی همه‌ی مردم دنیا دیر یا زود تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و میزان گرایش به دین، اخلاق و معنویات زیربنای سبک زندگی خانواده‌ها خواهد بود. پیشران‌هایی همچون تمایل به زندگی سکولار، مصرفی‌شدن خانواده‌ها، گرایش به تساوی جنسیتی و ... که در واقع ابعادی از جریان مدرنیته هستند را می‌توان ذیل میزان گرایش به دین و معنویات و تحت تأثیر آن در نظر گرفت؛ لذا اگر هدف، تحکیم بنیان خانواده و تعالی آن است، سلاح معنویت، تعمیق باورهای دینی و حاکمیت اخلاق در خانواده کارساز خواهد بود. در فرایند نظرسنجی تحقیق جاری هرچند از نظرات آینده‌پژوهان خبره نیز استفاده شد، اما تمرکز بیشتر بر نظرات خبرگان حوزه‌ی خانواده بود و ممکن است پیشران‌های کلیدی و به تبع آن سناریوهای پیشنهادی تحت تأثیر اشراف کمتر آنها نسبت به آینده قرار گرفته باشند و در نتیجه خوانندگان این تحقیق، سناریوهای مهم‌تر و محتمل‌تری به ذهنشان خطور کند؛ لذا می‌توان تحقیقات مکملی را انجام داد تا به روش‌های دیگر، آینده‌های بدیل دربارهِی سبک زندگی و میزان ارتباط خانواده‌ها با دین در آینده احصاء شود. برخی از موضوعات مهم برای تحقیقات آتی بدین شرح است:

۸۰

- ترسیم خانواده‌ی مطلوب و راهبردپردازی برای نیل به آن با رویکرد آینده‌پژوهانه؛
- آینده‌پژوهی سبک زندگی خانواده‌های ایرانی با استفاده از روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها؛
- سناریوهای آینده‌ی سبک زندگی دینی خانواده‌های ایرانی؛
- نقش اینترنت و فضای مجازی در سبک زندگی آینده‌ی خانواده‌های ایرانی؛
- سناریوهای آینده‌ی رویارویی مدرنیته و سنت و تأثیرات آن در خانواده‌ی ایرانی.

منابع

- ◀ احمدی، وکیل، وحید قاسمی و شهلا کاظمی پور، ۱۳۹۱. «بررسی نقش گذار جمعیتی در تغییرات جامعه‌شناختی»، *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، سال دهم، ش ۱.
- ◀ اعزازی، شهلا، ۱۳۷۶. *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران، روشنگران و مطالعات زنان.
- ◀ آزاد ارمکی، تقی و مصطفی ظهیری نیا، ۱۳۸۹. «بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده»، *خانواده‌پژوهی*، سال ششم، ش ۲۳.
- ◀ بابایی، عباس، ۱۳۹۴. «ضرورت آینده‌پژوهی در موضوع سبک ایرانی اسلامی»، همایش ملی سبک زندگی، نظم و امنیت، زنجان، دانشگاه زنجان.
- ◀ برناردز، جان، ۱۳۸۴. *درآمدی به مطالعات خانواده*، ترجمه حسین قاضیان، تهران، نشر نی.
- ◀ بستان، حسین، ۱۳۸۳. *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ◀ حاجیانی، ابراهیم و آریتا اخلاقی، ۱۳۸۹. «آینده‌نگری تحولات ساختاری خانواده»، همایش ملی آینده‌پژوهی مسائل خانواده در ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ◀ خالدی، مهنوش، ۱۳۹۲. *سبک‌های نوین زندگی خانوادگی در ایران*، همایش تحولات سبک زندگی در ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک و معاونت امور اجتماعی فرهنگی شهرداری تهران.
- ◀ رازقی نصرآباد، حجه بی‌بی و لیلا فلاح‌نژاد، ۱۳۹۶. «تفاوت‌های نسلی ارزش ازدواج (مورد مطالعه‌ی شهر هشتگرد)»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۷۵.
- ◀ کارگر، رحیم، ۱۳۹۵. *سیاست‌های فرهنگی تحکیم خانواده در ایران با رویکرد آینده‌پژوهی*، رساله‌ی دکتری در رشته سیاست‌گذاری فرهنگی، قم، دانشگاه باقرالعلوم.
- ◀ کاظمی پور، شهلا. مصاحبه‌ی خبرگزاری بین‌المللی شفقنا، ۱۳۹۳/۹/۱۹.
- ◀ کرامت زاده، عبدالمجید، ۱۳۸۹. *اصول سناریونویسی نظامی: طراحی سناریو با رویکرد نظامی*، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- ◀ کرامت زاده، عبدالمجید، ۱۳۹۵. *طراحی الگویی برای توسعه راهبرد بر مبنای سناریونگاری در شرایط عدم قطعیت*، رساله‌ی دکترای آینده‌پژوهی، قزوین، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
- ◀ فاضل قانع، حمید، ۱۳۸۸. *آینده‌پژوهی و جامعه مطلوب اسلامی*، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، ش ۱.
- ◀ قاسمی، سجاد، ۱۳۹۶. *آینده‌پژوهی مدیریت تحولات فرهنگی ایران در افق ده ساله با تأکید بر نهاد خانواده*، رساله‌ی دکتری در رشته مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- ◀ مهدوی کنی، محمد سعید، ۱۳۸۴. *دین و سبک زندگی*، رساله‌ی دکترای معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، تهران، دانشگاه امام صادق.
- ◀ مهدوی کنی، محمد سعید، ۱۳۸۶. *مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی*، فصلنامه

تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۹۹-۲۳۰.

- ▶ Abbasi-Shavazi, M. J., & P. Mc Donald (2007) *Family Change in Iran: Religion, Revolution, and the State*, in: Jayakody R, Thornton A, Axinn W (Eds), *International Family Change: Ideational Perspectives*. Taylor and Francis Group, LLC, Boca Raton, FL, 177-198.
- ▶ Bernhard Riederer, Monika Mynarska, Maria Winkler-Dworak, Thomas Fent, Bernhard Rengs and Dimiter Philipov (2017), *Futures of families in times of multifaceted societal changes: a foresight approach*, a project funded by European Union's Seventh Framework in Vienna Institute of Demography.
- ▶ Chermack, Thomas. (2006), "Process Level Scenario Planning", *Academy of Strategic Management Journal*, Vol 5.
- ▶ Dubin, R. (1976). *Theory building in applied areas*. In M. D. Dunnette (Ed.), *Handbook of industrial and organizational psychology*. Chicago: Rand McNally.
- ▶ Dubin, R. (1978). *Theory building* (Rev Ed.). New York: The Free Press, MacMillan.
- ▶ Godet, M., Roubelat, F. (1996), "Creating the Future: The Use and Misuse of Scenarios", *Long Range Planning*, 29(2).
- ▶ Lombardo, Tom, (2006); "Thinking Ahead: The Value of Future Consciousness", *Futurist*, January-February, pp 45-50.
- ▶ OECD (2008), *the Future of Families to 2030*, projections, policy challenges and policy options, A Synthesis Report, Paris.
- ▶ Ratcliffe, J. (2002), *Scenario Planning: An Evaluation of Practice*, *Futures Research Quarterly*, winter, 2002.
- ▶ Schwartz, P. and Ogilvy, J. (2004), *Plotting your Scenarios: An Introduction to the Art and Process of Scenario Planning*, Global Business Network.
- ▶ Von Reibnitz, Ute, H. (1988), *Scenario Techniques*, Hamburg.
- ▶ Wack, P. (1985). *Scenarios: Shooting the rapids. Harvard Business Review*, you use? *Long Range Planning* 20 (4) 21-29.